



مذاکرات مجلس شورای ملی

صورت مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی روز پنجشنبه (۱۲) اسفند ماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

فهرست مطالب :

- مجلس شورای ملی .
- ۱- قرائت اساسی غائبین جلسه قبل .
 - ۲- بیانات آقای رئیس بمناسبت تشریف‌فرمائی علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران به جلسه علنی
 - ۳- ادامه مذاکره در کلیات لایحه بودجه سال ۲۵۳۶ کل کشور .
 - ۴- تعیین موقع و دستور جلسه آینده - ختم جلسه .

مجلس ساعت هشت بعد از ظهر بریاست آقای عبدالله ریاضی تشکیل شد

قانونگذاری و نمایندگان ملت عنایت فرموده‌اند به پیشگاه مبارکشان تقدیم بدارد. (صحیح است)

خاطره این تشریف‌فرمائی را که در تاریخ مشروطیت ایران برای نخستین بار شاهد آن بودیم همواره گرامی میداریم و هیچگاه از یاد نخواهیم برد. (صحیح است)

این یقین است که فرمانده بزرگ ملت ایران اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر از آغاز دوران سلطنت پربرت خود همواره به تحکیم مبانی مشروطیت و حفظ و حراست اصول قانون اساسی توجه خاص مبذول فرموده و کشور و ملت خویش را گام بگام بسوی دموکراسی واقعی بر مبنای هدف‌های قانون اساسی پیش برده‌اند اگر بتاريخ پانزده ساله اخیر بنگریم بروشنی درمی‌یابیم که مشروطیت ایران در حقیقت در همین دوران که مصادف با انقلاب شاه و ملت بود بمفهوم واقعی خود صورت تحقق پذیرفت و فی الواقع اجرای اصول این انقلاب مقدس بود که جامعه ما را بسوی نظام عدالت اجتماعی و تساوی همه افراد در برابر قانون و برخورداری یکسان از مزایای زندگی در جامعه متحول و مترقی امروزی ایران پیش برد و این همان

۱- قرائت اساسی غائبین جلسه قبل .

رئیس - اساسی غائبین جلسه قبل قرائت میشود. (شرح زیر خوانده شد)

آقایان : آشوریان - آلتی جعفریای - اجاق - اردلان - الداغی - بزرگ‌زاده - پردلی - تدین - حیدری - ساری اصلانی - دکتر سعید - سید کلال - شادلو - صدیق‌زاده - حسین غضنفری - غلامرضا غضنفری - دکتر فیروزآبادی - قراچورلو - چلاجور - دکتر نصیری و بانو مشائی.

۲- بیانات آقای رئیس بمناسبت تشریف‌فرمائی علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران به جلسه علنی مجلس شورای ملی .

رئیس - همکاران گرامی :

در آغاز جلسه وظیفه خود میدانم مراتب سپاسگزاری خالصانه خود وعموم نمایندگان مجلس شورای ملی را بمناسبت تشریف‌فرمائی علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران به جلسه علنی مجلس و افتخار بزرگی که بقوه

آمالی بود که برای رسیدن بآن نهضت مشروطیت بوقوع پیوست ولی بآن نرسید.

توجه خاص شاهنشاه باین امر که مردم کشور در سطوح مختلف با آزادی کامل در سرنوشت خود صاحب رأی و صاحب نظر باشند و واگذاری کار مردم بمردم در انجمن‌های ده و شهر و شهرستان و شوراهای داوری و خانه‌های انصاف و بالاخره مجلسین شوراملی و سنا بمشروطیت ایران مفهوم واقعی بخشید و راه را برای وصول به هدف‌های آن هموار نمود (صحیح است) راهی که اینک همه مردم کشور ما در زیرلای حزب رستاخیز ملت ایران و متکی بسه اصل جاویدان آن با سرعت و شتاب در آن بسوی تمدنی بزرگ پیش میروند.

تشریف‌فرمائی علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی گرامی ایران به جلسه علنی مجلس شورای ملی که امروز با افتخار و سربلندی شاهد آن بودیم جلوه تابناک دیگری

از اندیشه بلند شاهنشاه به حفظ حرمت و اعتبار مشروطیت و دموکراسی ایران بود (صحیح است) مجلس شورای ملی این عنایت شاهانه را با حقیقت‌سناسی به پیشگاه مبارک اعلیحضرت همایون شاهنشاه آریامهر و علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران و والاحضرت همایون ولایتعهد سپاس بیگوید و در قبال این موهبت عظمی از خداوند متعال توفیق میخواند تا وظائف خود را آنچنانکه شاهنشاه و ملت ایران انتظار دارند با سرافرازی و افتخار بنحو مطلوب انجام دهد. (انشاءالله)

۳- ادامه مذاکره در کلیات لایحه بودجه سال ۲۵۳۶ کل کشور.

رئیس - وارد دستور می‌شویم، کلیات لایحه بودجه سال ۲۵۳۶ کل کشور مطرح است آقای دکتر تجدد تشریف بیاورید.

دکتر تجدد - جناب آقای رئیس همکاران گرامی قبل از اینکه من آغاز سخن کنم خیلی خسته بودید الان که شام هم خورده‌اید فکر میکنم که خستگی‌تان بیشتر باشد و مخصوصاً اینکه می‌بینم معاونین پارلمانی و آقایان وزراء بیشتر خستگی در آنها اثر کرده و اکثر آرد جلسه حضور ندارند. البته باز هم فکر می‌کنم که جناب دکتر شادمان از همه خستگی ناپذیرترند که در همه حال تشریف دارند بهر حال میگویند که مستمع صاحب سخن را بر سر ذوق آورد (احسن است) در طول ۱۴ سال که از انقلاب ایران می‌گذرد مادر پرتو رهبری‌های شاهنشاه بزرگ و توانای خودمان به پیشرفتهای زیادی در زمینه‌های گوناگون اقتصادی و اجتماعی و سیاسی نایل شده‌ایم

مسئلاً در بودجه نویسی هم ما پیشرفتهائی کرده‌ایم و همانطور که میدانید همه ساله بودجه دولت بصورت بودجه برنامه‌ای یعنی بودجه‌ای در قالب فصول و برنامه‌ها به مجلس تقدیم می‌شود زمانی بود که بودجه $\frac{1}{12}$ و $\frac{1}{12}$ تصویب مجلس شوراملی می‌رسید ولی موفقیت یک بودجه تنها در این نیست که برنامه‌هائی را روی کاغذ بیاوریم بلکه هنگامی اجرای بودجه بموفقیت همراه است که ما بتوانیم این برنامه‌ها را بطرز خوبی و در نهایت دقت و صرفه جوئی اجرا کنیم جناب آقای نخست‌وزیر در گزارش خودشان گفتند که در آغاز برنامه دوم درآمد سرانه ما ۱۳۰ دلار بود و در پایان برنامه پنجم این درآمد به دوهزار دلار می‌رسد و یا بعبارت دیگر درآمد سرانه ما از هزار تومان به ۱۴ هزار تومان رسیده ولی مهمتر از فراوانی درآمد و ثروت در یک جامعه توزیع عادلانه‌تر است و همینطور گفته شده که در یک گزارش بین‌المللی که در سال ۱۳۲۹ منتشر شد از ایران بعنوان یکی از فقیرترین کشورهای دنیا اسم برده‌اند کاملاً هم درست است و شکی نیست که امروز ما در یک موضع قدرت قرار گرفته‌ایم و دیگر مانند سالهای گذشته یک کشور فقیر نیستیم، یک کشور ثروتمندی هستیم ولی می‌باید ما بتوانیم از این ثروت و از این قدرت خودمان و از این امکانات خودمان حقیقتاً برای پیشرفت مملکت استفاده کنیم و باز همانطور که شنیدید چند روز قبل شاهنشاه آریامهر بهنگام شرفیابی مسئولان سازمان برنامه فرمودند که ۲۰ سال قبل ما ۲۰ میلیون دلار وام می‌خواستیم بمانداند ولی حالا همانطور که میدانید مادر سال ۳۴ حدود ۲ میلیارد دلار و در سال ۳۵ حدود ۲ میلیارد دلار بکشورهای خارجی کمک کردیم و در سال جاری هم حدود یک میلیارد دلار به کشورهای خارجی کمک خواهیم کرد بهر حال همانطور که عرض کردم مادر یک موقعیت استثنائی قرار گرفته‌ایم و امکانات زیادی را داریم از نظر مالی و از نظر انسانی و معنوی و می‌باید بتوانیم واقعاً از این امکانات خودمان استفاده کنیم. در این بودجه اولویت‌هائی در نظر گرفته شده فی‌المثل همانطور که میدانید اعتبارات امورات اجتماعی ۳۶ درصد نسبت به بودجه سال جاری اضافه شده و به بخشهایی از قبیل آموزش و پرورش و بهداشت و درمان و تغذیه و مسکن و خدمات تأیینی و بیمه اولویت داده شده برعکس به بعضی از بخشها مانند کشاورزی خیلی بی‌توجهی شده اعتبارات امور اقتصادی هم نسبت بسال جاری ۱۰ درصد اضافه شده و به بعضی بخشها مثل صنعت حمل و

نقل و ارتباطات اولویت داده شده ولی ما باید بدانیم آیا با وجود اینکه این اولویت‌ها داده شده، آیا باز هم سال آینده مثل گذشته فریاد و ناله معلم از عدم امکانات رفاهی و بی‌توجهی به مقام و مرتبه او بلند است آیا باز هم سال آینده، کیفیت آموزش و پرورش نسبت به امسال پائین ترمیاید آیا باز هم به موقع کتابهای درسی به محصلین نمی‌رسد و نا بسامانی‌هایی گوناگون دیگری در مدارس ما وجود دارد آیا با وجود اینکه مابه بهداشت و درمان اولویت داده‌ایم باز هم وضع بهداشت و درمان در شهرها و روستاها مثل گذشته نابسامان خواهد بود آیا باز هم ما مثل گذشته نمیتوانیم از نیروی انسانی و متخصصین که در رشته‌های گوناگون پزشکی داریم بنحو مطلوب و با توزیع عادلانه آنها در سراسر مملکت استفاده کنیم آیا باز هم این شبکه عظیم درمانی و بهداشتی را که وزارت بهداشت و بهزیستی میخواهد بوجود بیاورد منطبق با نیازمندیهای واقعی جامعه ما نخواهد بود و بهر حال مسلم است که اولویت‌هایی داده شده است ولی می‌باید از

این اولویت‌ها مسئولان اجرایی مملکت بنحو صحیح و منطقی استفاده کنند. امروز صبح یکی از دوستان بهنگام بحث در کلیات بودجه گفتند که ما کار زیادی به ارقام بودجه نداریم و بیشتر درباره سیاستها و خط مشی‌های بودجه بحث و گفتگو می‌کنیم ولی من فکر می‌کنم که توجه ما با ارقام خیلی از مسائل و موضوعات را روشن می‌کند و ارقام بازگوکننده بسیاری از حقایق است، و ما می‌باید واقعاً به این ارقام توجه بکنیم و با تجزیه و تحلیل این ارقام به بسیاری از مسائل پی‌ببریم، اصولاً تجزیه و تحلیل بودجه تجزیه و تحلیل چهارچیز است یکی ارقام درآمدها و نسبت و ترکیب آنها، دوم ارقام هزینه‌ها و تخصیص اعتبارات برای بخش‌ها و یا قسمتهای مختلف، سوم تأثیر درآمدها و هزینه‌ها روی اقتصاد ملی در کوتاه مدت. چهارم بررسی برنامه‌های عمرانی و سرمایه‌گذاریها در بودجه یکساله یا چند ساله اگر ما ارقام درآمدها را بررسی بکنیم می‌بینیم که بزرگترین رقم مربوط بدرآمد نفت و گاز است که دقیقاً $\frac{1}{7}$ یا $\frac{1}{3}$ میلیارد ریال مشخص شده البته همانطور که میدانید قبلاً قرار بود که یک رقم بالاتری را برای نفت و گاز در نظر بگیرند ولی به علت تحولاتی که در کار نفت بوجود آمد و شما اطلاع دارید این رقم $\frac{1}{9}$ یا $\frac{1}{3}$ میلیارد ریال بطور قاطع در نظر گرفته شد در اینجا من یک سؤال دارم سؤالم این است که آیا قبل از ژوئن سال جاری که مجدداً کشورهای عضو اوپک تشکیل جلسه میدهند آیا

ممکن است که در میزان صادرات نفت یا در قیمت نفت تغییراتی بوجود آید آیا اگر تغییرات بوجود آمد ما مجبور نخواهیم شد که تمام این ارقامی را که در لایحه بودجه مشخص کرده‌ایم بهم بزنییم و کوشش‌های چندماهه مسئولان برنامه‌ریزی مملکت بهدر رود و مابه‌چه دلیل این رقم قطعی را در بودجه گذاشتیم این سؤالی است که من می‌خواهم برایم روشن بشود، دومین رقم درآمدها درآمدهای مالیاتی است همانطور که ملاحظه کردید ما در سال جاری می‌خواهیم $\frac{1}{7}$ یا $\frac{1}{20}$ میلیارد ریال مالیات بگیریم که این رقم ۳۶ درصد بیشتر از سال جاری است ولی با توجه باینکه در بودجه مصوبه سال جاری تا آنجا که من اطلاع دارم، تا اول بهمن یعنی یازده ماه از سال ۱۰ درصد اضافه وصولی داشته‌ایم. حالا چگونه و با چه دستگاه‌های گیرنده مالیات که تا بحال آزمایش خوبی نداده‌اند ما میخواهیم در سال آینده ۳۶ درصد اضافه وصولی داشته باشیم. این ۳۶ درصد اضافه وصولی یک رقم غیر معقول و نادرست بنظر می‌رسد. این هم دومین سؤالی است که میخواهم روشن شود یکی دیگر از منابع درآمد دولت وامهای داخلی و خارجی است و وام از داخل ۱۵۰ میلیارد ریال با فروش اوراق قرضه است. آیا فکر نمی‌کنید که از ۱۵۰ میلیارد ریال حدود ۲۰ تا ۳۰ میلیارد ریال را بیشتر مردم نخرند چون بعلت سوء جریانات اقتصادی که جریان دارد مردم پس‌انداز خود را بیشتر در کارها و معاملات مثل خرید و فروش زمین و ساختمان بکار می‌اندازند. بقیه این اوراق قرضه را می‌باید بانک مرکزی ایران بخرد و در مقابل اسکناس منتشر سازد و چون این پول را دولت خرج میکند و سرانجام در دست مردم قرار میگیرد و میزان درآمد مردم بالا می‌رود و در مقابل این افزایش درآمد مردم باندازه کافی تولید وجود ندارد خطر افزایش قیمت‌ها و پایین آمدن قدرت خرید مردم پیش می‌آید و اینکار نقض غرض میباشد و مغایر به هدفهائی است که دولت عنوان کرده است دیگر از منابع درآمد دولت درآمد حاصل از مالکیت و انحصارات و خدمات و فروش کالا و چند منبع کوچک دیگر است که حدود $\frac{1}{10}$ یا $\frac{1}{14}$ میلیارد ریال پیش‌بینی شده و من در اینجا بحثی راجع به این منبع درآمد ندارم. بنابراین ملاحظه میشود که تکیه ما روی درآمد نفتی است که ۷۰٪ میباشد و درآمد‌های ما از سایر منابع در برابر هزینه‌هائی که داریم قابل توجه نیست، درآمدهای مالیاتی پیش‌بینی شده در بودجه سال ۳۶ در صورتیکه وصول شوند کمتر از نصف مبلغی است که

دولت میخواهد در سرمایه‌گذاری ثابت هزینه کند چون میدانید که دولت در سرمایه‌گذاری ثابت حدود ۹۸۰ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری میکند بنابراین تازمانی که نفت تمام میشود ما میباید بوسیله سایر تولیدات جای درآمد نفتی را پر کنیم. وام گرفتن هم یک امکان مالی منفی است. درباره وام داخلی و انتشار اوراق قرضه که عرض کردم، وام گرفتن از خارج هم برای ما در مقابل وام‌دهنده تعهدات و مشکلاتی بوجود میآورد ما میباید روی درآمدهای مالیاتی بیشتر تکیه کنیم و بر میزان بیفزائیم

مالیات دو جور است مالیات مستقیم و یا مالیات غیرمستقیم، مالیات غیر مستقیم از صاحبان درآمد گرفته میشود که در این بودجه رقم ۲۱۹/۹ میلیارد ریال در نظر گرفته شده و مالیات غیر مستقیم که بصورت گمرک کالاهای وارداتی است رقم ۲۲۲/۹ میلیارد ریال منظور شده است با این ترتیب رشد اضافه وصولی مالیات‌های غیرمستقیم در این بودجه ۴۷ درصد است در حالیکه رشد اضافه وصولی مالیات‌های مستقیم ۲۱/۶ درصد است یعنی رشد اضافه وصولی مالیات‌های غیرمستقیم تقریباً دو برابر رشد مالیات‌های مستقیم است در حالیکه در بودجه سال جاری رشد مالیات مستقیم بیشتر از مالیات غیرمستقیم میباشد و مالیات غیرمستقیم فشار بر مصرف کننده است و این مالیات خصوصاً برای خانواده‌های پرآلود و خانواده‌هایی که مصرفشان زیاد است یک فشار سنگینی وارد میآید در حالیکه مالیات مستقیم همانطور که عرض کردم از صاحبان درآمد گرفته می‌شود و حق این بود که دولت کوشش کند و فعالیت کند که بیشتر مالیات‌های مستقیم را بگیرد اما نکته مهم اینست که دولت با چه دستگاه گیرنده مالیات می‌خواهد، اینهمه مالیات را وصول کند و این اضافه وصولی را داشته باشد جریانات گذشته نشان میدهد که متأسفانه دستگاه‌های گیرنده مالیات در این مملکت بسیار ضعیف هستند و ما نمی‌توانیم مالیات‌هایی را که واقعاً می‌باید بگیریم از صاحبان درآمدها و شرکت‌ها و متعینین وصول کنیم متأسفانه ما هم‌اکنون و سرمایه‌های و رزیده و آموزش و پاک و بی‌نظر کم داریم، بعضی مواقع بعلت شیوع فساد در این دستگاه‌ها مالیاتی را که واقعاً می‌بایستی گرفته شود از صاحبان درآمد اخذ نمیشود و بعضی مواقع هم مودیان مالیاتی بعنوان گوناگون اموال منقول خودشان

را پنهان می‌کنند و از دادن مالیات فرار می‌کنند و با وجود اینکه نرخ‌های مالیاتی در مملکت ما بعضی اوقات خیلی زیاد است مثلاً مالیات برارث تا آنجا که من اطلاع دارم ۵۰ و ۷۰ درصد است بر حسب درجه قرابت وراث ولی عملاً ۱۰ تا ۲۰ درصد این مالیات بیشتر گرفته نمیشود، ما در مملکت خودمان تعدد مالیاتی داریم یعنی انواع مالیات‌هایی که گرفته میشود زیاد هستند و خیلی مواقع پولی که صرف گرفتن مالیات می‌شود خیلی بیشتر از خود مالیات است بعضی مواقع مالیات مضاعف گرفته میشود مثلاً عوارض نوسازی بگیرند مالیات بر مستغلات هم بگیرند که بنظر من این کار درست نیست دیگر اینکه مالیاتی که گرفته می‌شود خیلی مواقع به تفکیک برای گروه‌های مختلف روشن نیست گروه‌های گوناگونی هستند که در این مملکت درآمدهای خیلی زیادی دارند ولی یا مالیات نمیدهند و یا مالیات کمی میدهند مثلاً هنرمندان، صاحبان بوتیک‌ها و رستوران‌ها و کباب‌ها آقای معاون وزارت دارائی و امور اقتصادی تشریف ندارند (عباس میرزائی - نماز می‌خواند) من میخواستم سؤال کنم که در سال جاری یا در سال‌های گذشته از این هنرمندان، از این آوازخوانها که هر شب ۱۰، ۲۰ هزار تومان میگیرند (عباس میرزائی - از شما ارزان گرفتند از بقیه بیشتر می‌گیرند) در حال من میخواستم سؤال کنم از این هنرمندان چقدر مالیات می‌گیرند در اینجا بدنیت بموضوعی اشاره کنم که مربوط به چند سال قبل است یکی از خواننده‌هایی که خیلی شهرت داشت و در رادیو، تلویزیون و محافل و مجالس مختلف برنامه اجرا میکرد آغاسی بود که حتی میدانید این هنرمند وقتی برنامه اجرا میکرد شاید چند هزار تومان پول بپایش می‌ریختند و یادم هست که در یکی از روزنامه‌های خبری روز در صفحه اول از قول سخنگوی وزارت دارائی نوشته شده بود که آقای آغاسی بعلت پرداختن مالیات تحت تعقیب و مجهول‌ال‌مکان است، ولی در صفحه آخر همان روزنامه اعلامیه ای داشتیم از کباب‌ها شکوفه نوکه آغاسی ساعت فلان برنامه اجرا میکند بنابراین ملاحظه میفرمائید که چگونه دستگاه‌های گیرنده مالیات در مملکت ما ضعیف هستند و چگونه مودیان واقعی از دادن مالیات فرار میکنند یک مورد دیگر همین بساز و بفروشها هستند شما توجه کنید در طول بیست سال اخیر که اینها میلیاردها تومان در این مملکت استفاده کرده‌اند یا همینطور بورس بازان زمین دولت چه مبلغ از این گروه‌ها مالیات گرفته است. البته از خرید و فروش زمین و یا ساختمان به نسبت مبلغ کمی که بابت قیمت آنها در سند ذکر شده مختصر مالیاتی

میگیرند که مالیات واقعی و حقیقی نیست ولی اخیراً وزارت دارائی به کمک شهرداری میخواهد لیستی از این بساز و بفروشها تهیه کند باین لحاظ که اگر بساز و بفروشها خواستند پروانه دومی یا سومی بگیرند مالیات و عوارض بیشتری بدهند ولی میدانید که این زندان کهنه کار پروانه دوم و یاسوم را بنام خودشان نخواهند گرفت (عباس میرزائی - یادشان ندهید)

دکتر تجدد - آنها خیلی بیشتر از من و شما میدانند یک مورد دیگر همین شرکت‌های خصوصی مختلفی هستند که با کمک و حمایت وام‌های دولت تشکیل شده‌اند و روز بروز رشد و توسعه بیشتری پیدا میکنند و نفع بیشتری عایدشان میشود ولی متأسفانه از پرداخت مالیات حقه‌ای که میباید پرداختند خودداری میکنند چندی قبل وزیر محترم دارائی و امور اقتصادی اعلام کردند از ۲۰ هزار شرکت خصوصی که در تهران به ثبت رسیده فقط ۹ هزار شرکت پرونده و سابقه مالیاتی دارند و از این ۹ هزار هم فقط اظهارنامه پر کرده‌اند ولی اظهاراتشان بهیچ عنوان مورد تأیید هم‌اکنون مالیاتی نیست یک مورد دیگر که باز توسط مسؤلان وزارت دارائی اعلام شد مربوط به ۵۰ هزار پرونده مالیاتی پیشه‌وران و اصناف است که گفته شده از سال ۱۳۱۶ تا ۱۳۴۶ یعنی بمدت ۳۰ سال که این پرونده‌ها تشکیل شده‌اند و همینطور بلاتکلیف هستند و شما ملاحظه میفرمائید، در طی این ۳۰ سال چقدر وقت و نیروی انسانی و پول مملکت برای این پرونده‌ها دررفته. آقای وزیر دارائی و امور اقتصادی قول دادند که تا پایان سال جاری این پرونده‌ها مختومه خواهند شد و امیدوار هستیم اینکار انجام بگیرد، آن مطالبی را که عرض کردم بدین منظور بود که واقعاً آیا دولت با این دستگاه‌های ضعیف گیرنده مالیات میتواند این ۳۶ درصد اضافه وصولی را داشته باشد امیدوار هستیم که دولت بتواند این مالیات را بگیرد چون میدانید که اخذ مالیات یکی از بهترین راه‌های توزیع عادلانه ثروت است و ما میتوانیم بایک نظام صحیح مالیاتی ثروت و درآمد را در مملکت عادلانه توزیع کنیم درست است که تا بحال بمنظور توزیع عادلانه ثروت اقدامات مهمی انجام شده اصلاحات ارضی، سهم‌شدن کارگران در سود کارخانه‌ها، فروش سهام کارخانه‌های دولتی به کارگران به کارمندان به همه مردم، گسترش مالکیت واحدهای تولیدی و صنعتی، تعدیه رایگان، آموزش و پرورش رایگان، انواع بیمه‌ها و همه اینها بمنظور توزیع عادلانه درآمدها در این مملکت بوده است ولی می‌باید قبول بکنیم که

این کارها و این اقدامات کافی نبوده و می‌باید اقدامات خیلی جدی تری برای این منظور صورت بگیرد، یادم هست که شاهنشاه یکجا فرموده بودند که زیادی درآمد ملی بدون اینکه عادلانه توزیع شود اهمیت زیادی ندارد و همانطور که میدانید توزیع عادلانه درآمدهایکی از هدف‌های حزب رستاخیز ملت ایران است در برنامه‌ها حزب هم بآن اشاره شده است و اگر یک ملتی میلیاردها تومان تولید ناخالص ملی‌اش باشد ولی این درآمد عادلانه توزیع نشود گروه‌های بسیار و افراد زیادی در آن مملکت در ناراحتی بسر خواهند برد شما میدانید که بسیاری از کشورهای متمدنی و پیشرفته دنیا با این درآمد مالیاتیشان نه تنها هزینه‌های جاری و اداری خودشان را تأمین می‌کنند بلکه مبالغ خیلی زیادی را می‌توانند برنامه صرف‌ریزیها و سرمایه‌گذاریهای بزرگ در کشورشان بکنند ما یک ملت هنگامی میتواند از درآمد خودش واز اسکانات مالی خودش بنحو صحیح و منصفانه استفاده کند که دارای یک نظام اداری صحیح و اساسی و اصولی باشد، یک نظام اداری اساسی و اصولی می‌باید دارای جنبه‌های مختلف باشد اول اینکه این نظام می‌باید دارای ابعاد مناسبی باشد و بی‌جهت و بدون دلیل گسترش پیدا نکند، دوم اینکه در این نظام می‌باید حداکثر صرفه‌جویی بشود، سوم اینکه می‌باید برای این نظام قوانین و مقررات پیشرفته و متمدنی حاکم باشد، چهارم اینکه می‌باید تاسر حد توانائی ما از شیوع فساد در سازمان‌های اداری خودمان جلوگیری کنیم ولی متأسفانه می‌باید عرض کنم که نظام اداری ما متناسب با هدف‌های انقلابی که داریم رشد و پیشرفت نکرده با وجود اینکه سالهاست فرمان انقلاب اداری از طرف رهبر مملکت صادر شده است ولی عملاً درباره تحقق این اصل هیچ کار اساسی و اصولی صورت نگرفته و بارها است که ما از زبان مسؤلان می‌شنویم که انقلاب اداری مثل دوروی یک سکه است، یکطرفش مردم هستند و یکطرفش مسؤلان نظام اداری مملکتی، و برای اینکه انقلاب اداری در مملکت تحقق پیدا کند ما احتیاج بزمان داریم ولی نمیدانم این زمان چقدر است؟ من میخواهم بدانم در طول ۱۰ سال که از انقلاب ایران گذشته چه اصلاح عمیق و اساسی در شعبان مختلف اداری بوجود آمده که باز هم موعده میدهم که تحقق انقلاب اداری احتیاج به زمان دارد ما که همچگونه اثری از اصلاحات اداری نمی‌بینیم (صحیح است) عرض کردم که یکی از

خصوصیات یک نظام اداری اساسی و اصولی این است که ابعاد مناسبی داشته باشد و بی جهت و بدون دلیل گسترش پیدا نکند ما از سالها قبل برای سازمانهای مختلف مملکتی شروع کردیم به استخدام کردن کارمند و بخصوص از ۱۳۲۰ باین طرف بایک سرعت بیشتری هر روز عدهای را استخدام کردیم بطوری که امروز تعداد ایسین مستخدمین بیش از ۶۰۰ هزار نفر در مملکت هستند ولی آیا ما واقعاً در این مملکت ۳ میلیون به ۶۰۰،۰۰۰ نفر کارمند احتیاج داریم؟ من باجرات عرض میکنم که ما باینمی از این تعداد میتوانیم مملکت خودمان را بچرخانیم سازمانها و دستگاههای خودمان را اداره بکنیم البته من باید عرض کنم که میزان نیاز سازمانها و دستگاههای مختلف به کارمند یک اندازه نیست مثلاً بعضی از دستگاهها مثل آموزش و پرورش کم دارند ما معلم خیلی کم داریم یا مکتبست وزارت بهداری و بهزیستی هم کم داشته باشد ولی در مقابل دستگاهها و سازمانهای زیادی هستند که خیلی بیش از احتیاجشان کارمند دارند شما بارها وارد بعضی از ادارات شدهاید وقتی در یک اتاق را باز می کنید می بینید که ۴ و ۵ نفر نشسته اند، یکی سیگار می کشد یکی چای می خورد و خانمی بافتنی می بافد غالباً می بینیم که این کارمندان زائد بیشتر راجع به مشکلات و کارهای خودشان و اضافه حقوقشان صحبت می کنند البته من نمی خواهم کارمندان و کارکنان دولت را تخطئه کنم ولی میخواهم عرض بکنم که ما باین تورم کارمند از یکطرف هزینه های اداری مملکت را زیاد کرده ایم و از طرفی این گروه همیشه ناراضی هستند با هر کدام صحبت کنید رضایت کامل ندارند در حالیکه ما می توانستیم نصف این عده را داشته باشیم و بآنها حقوق و امکانات مالی و رفاهی بیشتری بدهیم تا کارائیشان هم بیشتر بشود و ما بتوانیم از وجودشان در این مملکت بیشتر استفاده کنیم و مهمتر اینکه ۳۰۰ هزار نفر از این ۶۰۰ هزار نفر که شامل قانون استخدام کشوری می شوند و وضعشان خیلی بدتر است این قانون بهیچ عنوان قانون جامعی نیست که حقوق همه آنها را آنگونه که استحقاقی دارند در نظر گرفته باشد و حتی جناب آقای نخست وزیر چندی قبل در کنگره انجمن مدیریت که در شیراز تشکیل شد از این قانون شدیداً انتقاد کردند و حتی اظهار امیدواری کردند قانون جدیدی که بمجلس می آید بتواند شرایط

بازار کار را در مورد تخصصهای مختلف در نظر بگیرد که این یک بحث جداگانه ایست ولی بهرحال آنچه بنام قانون استخدام کشوری باقی مانده یک شیر بی یال و دم و اشکم است که بهرحال بدرد کارمند نمی خورد در اینجا من می خواستم پیشنهاد کنم که دولت بیاید اینهمه کارمند اضافه را که دارد بانها آموزش بدهد بصورتهای مختلف با ایجاد دوره ها و تشکیل کلاسهای و بعد اینها را پس از آموزش دادن با شرایطی و طرحهایی واگذار کند به بخشهای خصوصی (دکتر منتظری - سابقه خدمتشان چه میشود) بهرحال برای سابقه خدمتشان هم باید فکری کنند اکثر این کارمندان فقط بخاطر اینکه از مزایای بازنشستگی و بیمه درمانی برخوردار شوند با استخدام دولت درمی آیند و غالباً نه تخصصی دارند و نه تبحری و حتی ترسشان از اینست که اگر از دستگاه دولت بیرون بیایند در بخش خصوصی جایی برای آنها نیست مثل اینکه دولت هم برای رفع بیکاری ناگزیر بوده است کاری برای آنها بترشد.

عباس میرزائی - پس این آگهی های استخدام که هر شب در روزنامه ها می بینید چیست؟
پزشکپور - میخواهند همین را درست بکنند حالا معلوم نیست.

دکتر تجدد - البته این آگهی های استخدامی که شما ملاحظه میفرمایید کاری بمطلبی که من عرض کردم ندارد چون بهرحال یک عده ای فکر می کنند جناب عباس میرزائی نان دولت نان آماده ای است که عده ای می نشینند سر سفره ای میخورند بعد هم آخر ماه کم یا زیاد حقوقشان را می گیرند و خیلی از این کارمندان کار دوم و سوم هم دارند.

سید محمد جزایری - اکثریت اینطور نیستند.
اسدی - مالیات حقوقشان زیاد است.
قربانی نسب - چه اشکالی دارد که در ساعات بیکاری بکاری مشغول شوند؟

دکتر تجدد - حالا بهر علت یا حقوقشان کم است و یا میخواهند درآمد بیشتری را بدست بیاورند چنین کارمندانی در قبال دستگاه خودشان احساس مسئولیت نمی کنند و کسی که رئیس و مسئول آنها هست هیچگونه تکلیف و وظیفه ای برای آنها مشخص نمی کند بهرحال موضوعی که هست چون خیلی از کارمندان کار دوم و سوم دارند کارائی شان در سازمان دولتی کاهش پیدا می کند.

سعید جوادی - این هیچ اشکال ندارد.
قربانی نسب - آقا چه مانعی دارد؟

دکتر تجدد - همانطور که جنابعالی و همکارانتان مرتباً دنبال بهروزی و کارائی کارگران هستید و منتهائی هم هست که از وجود این کارمندان برای راه انداختن کار مملکت استفاده کنند و دنبال این کار آبی و بهروزی آنها باشند و در مقابل یک کار معین و شغل معین حقوق معینی را در نظر بگیرند کارمندی که دو تا و سه تا کار داشته باشد مجبور است وقت خودش را صرف آن کارها کند (احسنت) ب.

یک کارمند در مقابل کار و شغل معینی حقوقی میگیرد ولی اگر یک یا دو کارگر دیگر هم داشته باشد مجبور است وقتش را صرف آن کارها کند و در نتیجه کارائی اش پائین می آید و میباید ما یک فکر اساسی برای این گروه از کارمندان بکنیم الان همانطور که میدانید کارمندان بصورت های مختلف پول میگیرند یعنی مبلغی را بعنوان اصل حقوق میگیرند اضافه کار و فوق العاده شغل و یا بصورت های دیگر هم میگیرند و سرانجام هم معتقد هستند که این پول ها بجائی نمیرسد آیا بهتر نیست که ما با وضع یک قانون مترقی و جامع استخدامی میزان دریافتی آنها را بحدی برسانیم که لازم نباشد بصورت های مختلف بانها کمک کنیم و بالاخره هم راضی نشوند از طرف دیگر همانطور که میدانید این کارکنان دولت هم تعدادشان زیاد است و هم آنکه غالباً وضع نابسامانی دارند و بهیچ عنوان هم راضی نمی شوند مسئله دیگری در نظام اداری اشاره کردم این بود که ماسی باید هرچه بیشتر صرفه جوئی کنیم در هزینه هایی که داریم و من در اینجا میخواهم روی دوسه مورد انگشت بگذارم و استدلال کنم یکی از موارد اتومبیل های دولتی است مطابق محاسباتی که شده مادر سازمانهای مختلف حدود ۴۰۰۰ اتومبیل داریم که اگر هزینه هر اتومبیل را حداقل ۲۰۰۰ تومان باراننده و بنزین و روغن و سرویس در سال حساب کنیم یک میلیارد تومان میشود و اگر قیمت هر اتومبیلی را ۵۰ هزار تومان حساب کنیم ۱۰۰ میلیون تومان هم استهلاک آنها در سال میشود که بهرحال رقم خیلی بالائی است البته درست است که خیلی از سازمانهای اداری احتیاج به اتومبیل و وسیله نقلیه دارند ولی خیلی از این سازمانها هم احتیاج زیادی ندارند و بعد هم شما می بینید از این وسائل بیشتر برای

کارهای شخصی و خصوصی استفاده میشود شما غالباً این اتومبیل ها را جلوی مدارس می بینید که بچه ها را بمدرسه میبرند یا بمدرسه میاورند و یا جلوی فروشگاهها می بینید و صرف نظر از اینکه زننده است اصولاً پول و بودجه مملکت که باید صرف کارهای اساسی تری بشود برای اینکارها صرف میشود مطلب دیگر اجاره هائی است که دولت در طول سال می پردازد من البته شاید نتوانم رقم دقیق این اجاره ها را بیان کنم ولی همانطور که میدانید دولت میلیونها تومان بابت اجاره در سال میدهد و حتی سامی بینیم دستگاههای اجاره می پردازند مثل وزارت مسکن و شهرسازی که خودش مسئول تهیه مسکن برای گروه های مختلف است ولی در سال مبلغ زیادی اجاره می پردازد و یا سازمان اوقاف که همه ساله میلیونها متر زمین را به اشخاص و سازمانهای مختلف واگذار میکند همه ساله مبلغ عمده ای را بعنوان اجاره بها می پردازد در حالیکه این دستگاهها می توانند با گرفتن وام ساختمانهای بسازند و بطوریکه حساب شده در طول دهسال اقساط این وام را بایهرد بپردازند که حتی این اقساط کمتر از اجاره بهای ماهانه باشد و بعد هم صاحب این ساختمانها خواهد شد بنابراین ملاحظه کردید که ما میتوانیم با صرفه جوئی در کارمندی هزینه های اداری مبلغ زیادی از بودجه مملکت را صرفه جوئی کنیم و این بودجه ها را برای کارهای اساسی مصرف نمائیم و دچار کسری بودجه نشویم و یا کسری بودجه ما در این حد نباشد البته من میخواستم راجع به مسائل مختلفی صحبت کنم ولی از آنها فقط در باره دوسه موضوع دیگر صحبت میکنم چون فکر میکنم دوستان خسته هستند یک موضوع مربوط به سیاست درمانی مملکت است که امروز صبح هم راجع به آن صحبت هائی شد و ضمن آن پزشکان مورد حمله قرار گرفتند در حالیکه من فکر میکنم با وجود نابسامانی که در مملکت ما از نظر سیاست درمانی و بهداشتی وجود دارد حق این نیست که ما تا این حد پزشکان مملکت را مورد حمله قرار دهیم البته آنچه را که عرض میکنم باین خاطر نیست که من خودم پزشک هستم و بلحاظ همکاری میخواهم دفاع کنم اگر نابسامانی از نظر درمانی در مملکت ما وجود دارد باین علت است که ما یک سیاست درمانی مشخص و سنجیده و حساب شده نداریم و امروز صبح یکی از همکاران باین موضوع اشاره کردند اگر ماتحت های بیمارستانی کم داریم اگر تعداد دربانها و در شهرها و روستاها کافی نیست ما نباید فقط پزشکان

را مورد حمله قرار دهیم و آنها را تکفیر کنیم باید ببینیم بچه علت این نابسامانیها از نظر درمان در مملکت بوجود آمده ما می باید بدانیم بچه علت بیش از نصف پزشکان مملکت در تهران هستند من یک آماری را دارم که خدمتتان عرض میکنم که تعداد کل پزشکان کشور مطابق آماری که من تا آخر آذرماه امسال از نظام پزشکی گرفته ام ۱۳۴۰ نفر هستند که از این عده ۲۱۰۸ نفر در تهران هستند و از ۱۹۲ نفر دندانپزشک هم که در تمام مملکت هستند ۱۰۱ نفر در تهران هستند (یکنفر از نمایندگان) این توزیع ناعادلانه درمان است در سطح مملکت) کاملاً درست است آیا شما فکر میکنید که این ۶ هزار و چند نفر پزشک که در تهران هستند همه در یک شرایط خوب زندگی بسر میبرند خودتان بروید تحقیق کنید - بررسی کنید بروید از این ۶ هزار و چند نفر پزشکی که در تهران هستند چند نفر صاحب مطبهای خصوصی و پردرآمد هستند و چند نفر در بیمارستانهایی که مردم اسم آنها را هتل های لوکس گذاشته اند کار می کنند؟ باز آماری را خدمتتان عرض کنم در تهران ۱۲۱ بیمارستان است که ۶۹ بیمارستانش عمومی است با ۱۶۹۶ تخت و ۵۲ بیمارستان خصوصی است با ۳۹۷۴ تخت این آمار هم مربوط تابه آخر آذر امسال است در این ۵۲ بیمارستان خصوصی حداکثر هزار پزشک کار می کنند همینطور شما بروید و دفترچه ای که از طرف نظام پزشکی منتشر شده و اسامی همه پزشکان مملکت در این دفترچه هست، برای پزشکان تهران یک دفترچه هست شما خودتان پزشکانی را که در تهران مطبهای خصوصی دارند و درآمدشان زیاد است مشخص کنید شما به رقمی بالاتر از ۵۰۰ نفر نمی رسید عرض کردم هزار نفر از این عده هم در بیمارستانهای خصوصی یا بقول بعضی از دوستان در هتل های لوکس هستند که جمعاً می شود ۱۵۰۰ نفر آیا ۵۰۰ نفر بقیه که در همین تهران هستند چه میکنند؟ من دقیقاً اطلاع دارم که اکثر این پزشکان یا مطب ندارند یعنی درآمدشان منحصر است بحقوقی که از دستگاه مربوط می گیرند و یا اینکه اگر مطب دارند درآمدشان در حدی نیست که قابل توجه باشد قبول بفرمائید که اکثر این پزشکان خانه ندارند، از امکانات رفاهی در حد تحصیلات و کیفیت کارشان بهره مند نیستند (یکی از نمایندگان) اینها بروند شهرستان) عرض می کنم، اگر به شهرستان نمی روند باین علت است که سیاست درمانی مملکت غلط است ولی خواستم این مطالب را عرض کنم که این تعداد پزشکی که در تهران

هستند فکر فرمائید که همه مطبهای خیلی خوب و پر درآمد دارند این پزشکان باین دلیل در تهران متمرکز شدند که در مورد آنها تبعیض اعمال شده این ها از یک مقررات استخدامی که رضایتشان را تأمین بکند بهره مند نبوده اند یکی از اشکالات مهم این است که به پزشکان در سازمانهای مختلف حقوقهای مختلف می دهند وزارت بهداشت یک جور حقوق میدهد، سایر سازمانهای دولتی یک جور و بخش خصوصی یک جور و هیچگونه مقررات استخدامی مشخص و سنجیده شده ای وجود ندارد بسیاری از این پزشکان را می شناسیم که ۱۰ سال، ۱۵ سال، ۲۰ سال در یک شهرستان و بخش دور افتاده ای کار کرده اند و خدمت کرده اند ولی وقتی که تقاضای انتقال کرده اند به محل بزرگتری مثلاً شهر بزرگتری یا مرکز استان با انتقال آنها موافقت نکردند در نتیجه آنها محل خدمتشان را رها کردند و آمدند تهران و حتی به علت همین جریانات خیلی از این پزشکان الان به کارهای دیگری مشغول هستند یعنی در حرفه خودشان نیستند بخاطر اضطرار و بخاطر اجبار یعنی پزشکی در وزارت بهداشت بوده ۱۵ و ۲۰ سال در محلی خدمت کرده خدمت آنچه که تقاضا کرده منتقلش نکرده اند بناچار آمده تهران و چون نتوانسته مطب خصوصی برای خودش دائر کند و یک درآمدی داشته باشد و بآن حقوق دولتی خودش هم نتوانسته زندگی کند در همان شهرستانها سازمانهای مختلف هست که هر کدام را بایک شکل و بایک حقوق استفاده می کنند ولی خواستم عرض کنم که بهرحال یک سیاست درمانی و اصولی نداشتیم که این وضع بوجود آمده و ما نباید کاری کنیم که وضع از این بدتر شود الان وزارت بهداشت و بهزیستی میخواهد یک شبکه ندرستی در سراسر مملکت درست کند و میخواهند این شبکه را از روستاها تا مرکز استان گسترش و توسعه بدهند و در داخل این شبکه می باید پزشک، پرستار، ماما - بهیبار - و بهرحال افراد مختلف کار کنند ولی نقش عمده بعهده پزشکان است و ما می باید بتوانیم از این پزشکانی که داریم استفاده بکنیم عرض کردم که در تمام مملکت ما بیش از ۱۳ هزار پزشک داریم در حالی که نیاز ما با ۳ میلیون جمعیت ۳۶ هزار پزشک است و شاید یک کشور مانند انگلیس که ۵۲ میلیون یا ۵۳ میلیون جمعیت دارد ۵۳ هزار پزشک هم دارد و ما نباید پزشکان مملکت را که عرض

کردم در شرایط مختلف زندگی می کنند و همه وضع خوبی ندارند با چوب تکفیر برانیم و آنها حاضر نشوند با یک اعتقاد و ایمانی به شغل خودشان مشغول باشند وزارت بهداشت و بهزیستی واقعاً اگر خواسته باشد بودجه ای کلانی را که در اختیار دارد بنحو صحیحی هزینه کند می باید از وجود این پزشکان استفاده شود چندی قبل روزنامه ها نوشتند که آقای وزیر بهداشت و بهزیستی پزشکان را مورد حمله قرار داده، گفتند که می باید مطابق مقرراتی که تعیین شده کار بکنند و اگر نکردند آنها را اخراج میکنیم چنین و چنان میکنیم البته من این مطالب را باور نکردم صرف نظر از اینکه ایشان دوست من هستند همکلاس من هم بوده اند و من فکر نمی کنم ایشان باین صورت گفته باشند (قربانی نسب - پزشکان مملکت هم مثل سایر افراد در این مملکت باید کار کنند، آن کسی که کار نمی کند باویگر کنید که بیشتر کار کند شما گفتید که سیاست پرکاری را باید عمل کرد) بله، آقای قربانی نسب آن کسی که کار نمی کند باید به او بگوئید که کار بکن نه کسی که وظیفه خود را انجام میدهد من میخواهم با کمال صراحت عرض کنم که اگر وزارت بهداشت و بهزیستی واقعاً نتواند از وجود این پزشکان استفاده کند ما با آوردن پزشک هندی و پاکستانی و فیلیپینی نمی توانیم شبکه عظیمی را که در مملکت می خواهیم بوجود آوریم، اداره کنیم. ملاحظه بفرمائید یک پزشکی را، از پاکستان یا هندوستان می آورند و سه چهارماه به او زبان فارسی یاد می دهند و بعد می گویند برو در شهرها و روستاهای مملکت خدمت کن. شرط اصلی تشخیص بیماری بوسیله پزشک مصاحبه با مریض است، صحبت کردن با مریض است. وقتی یک پزشکی نتواند با مریض خودش صحبت کند. نتواند درد مریضش را گوش کند و بفهمد چطور می تواند طبابت صحیح بکند ما واقعاً باید تصمیم بگیریم که از پزشکان خودمان در این مملکت استفاده کنیم و بعد اگر کمبود و کسری داشتیم از پزشکان خارجی هم استفاده کنیم. شما ببینید چقدر از پزشکان این مملکت که در اینجا زاده شده و رشد کرده اند و در این مملکت تحصیل کرده اند و پزشک شده اند، امروز متعلق بما نیستند و در کشورهای خارجی کار می کنند، ما می باید به صورتی که هست آنها را جذب و جلب کنیم و از وجودشان حداکثر استفاده را ببریم. و بهرحال سیاست درمانی مملکت می باید راهی را در پیش بگیرد که ما بتوانیم

از این نیروی انسانی پزشکی که داریم حداکثر استفاده را بکنیم. در اینجا به یک مطلب دیگر اشاره می کنم که باز آقای وزیر بهداشت و بهزیستی در یک کنگره ای که مربوط به دارو بود چند روز قبل دراصفهان تشکیل شد گفته بودند که ما در این مملکت صنعت داروسازی نداریم و ۹۰ درصد صنعت دارو سازی ما مونتاژ است و دارو هم گران است. امروز می خواستم پاسخ این مطالبی ایشان گفتند، عرض کنم. ما بده چه علت داروسازی نداریم یا بچه علت و بقول ایشان صنعت داروسازی ما مونتاژ است برای اینکه نخواستیم و نتوانستیم از دکترهای داروساز خودمان، از آنهایی که در این مملکت تحصیل کرده اند و دکترای داروسازی گرفته اند استفاده کنیم. شما می دانید که یک دکتر داروساز تا پایان تحصیلات لااقل ۷۰۰ - ۸۰۰ هزار تومان برای دولت خرج دارد ولی این دکترها در حال حاضر توی یک داروخانه هائی هستند که مثل سایر اصناف علاوه بر آنکه دارو می فروشند چیزهای دیگر هم می فروشند و آنطور که لازم است دولت به آنها توجه نکرده است. وزارت بهداشت و بهزیستی که امروز مدعی ایشان است به آنها توجهی نمی کند. اینها یک جامعه ای دارند بنام جامعه دارو سازان که سالها است فریادمی زنند ما می خواهیم نظام داروسازی داشته باشیم، ما با پزشکان همکار هستیم، رشته داروسازی هم در واقع یکی از رشته های پزشکی است، چرا سعی دارند ما را جزو اصناف قرار دهند؟ چرا اینقدر اطاق اصناف و وزارت بازرگانی روی صنف بودن آنها اصرار دارند؟ (ادیب مجلسی - آقا، طبق قانون نظام صنفی، آن هم یک واحد صنفی است) اشتباه در همین جاست که شما و دوستانتان تعصب دارید که یک گروهی را جزو سایر اصناف قرار دهید. البته همه اصناف محترم هستند، آجیل فروش، سبزی فروش و خواربار فروش همه محترم هستند ولی هر صنفی را باید در جایگاه خودش قرار بدهیم و در رده خودش قرار بدهیم. شما چه اصراری دارید که دکترهای داروساز را که شش سال تحصیل کرده اند و در واقع مدرکشان هم طراز با مدرک پزشکی است، آنها را در ردیف بزاز و خواربار فروش و سبزی فروش قرار بدهید؟ اشکال در این است که وقتی شما آنها را در جایگاه خودشان قرار ندهید نمی توانید از وجودشان استفاده کنید. علت اینکه آقای

وزیربهداری و بهزیستی می‌گویند که صنعت داروسازی نداریم و صنعت داروسازی ما مونتاژ است برای اینست که کمی وزارت بهداری و بهزیستی آمده از این عده حمایت کرده و اینها را تشویق و ترغیب کرده و به تحقیق و پژوهش واداشته است؟ کجا این کار را کرده؟ در حالی که وزارت بهداری و بهزیستی که می‌باید سیاست درمانی بهداشتی مملکت را اداره کند اگر به اینها توجه میکرد و از آنها حمایت میکرد، این عده امروز واقعاً می‌توانستند لااقل نیمی از صنعت داروسازی را اداره کنند و بقول آقای وزیر بهداری و بهزیستی صنعت داروسازی صنعت مونتاژ نبود. در اینجا می‌خواستم عرض کنم که حتی سازمان نظام پزشکی، که یک سازمان و افعلاً صلاحیتدار است و سازمانی است که بین بیمار و پزشک حکم می‌دهد و بارها اعلام کرده که داروسازان باید از اصناف خارج شوند باید یک نظام جداگانه داشته باشند معهداً توجهی به این حرف‌ها نشده است. در خاتمه که از بیان بسیاری مطالب بخاطر ضیق وقت صرف نظر کردم، البته ضیق وقت باین خاطر است که سایر دوستان هم بتوانند صحبت کنند و می‌دانید که برای سخنرانی که در بودجه صحبت می‌کند محدودیت وقت نیست، آخرین مطلبی که می‌خواستم عرض کنم درباره اعتبارات دفاعی و سیاست مستقل ملی است همانطور که می‌دانید ما بفرمان رهبر مملکت از اعتبارات دفاعی مملکت بمیزان دودرصد کم کردیم ولی در مقابل بخاطر تأمین رفاه جامعه ایرانی به بخشهایی از قبیل آموزش و پرورش و بهداشت درمان و مسکن و بعضی بخشهای دیگر اولویت دادیم. ولی باید عرض کنم که دفاع از این مملکت تنها با اعتبارات دفاعی نیست بلکه دفاع از این مملکت در خون و نهاد هریرانی است (صحیح است - احسنت) یعنی هریرانی بهنگام ضرورت با تمام وجود خود حتی با جنگ و دندان از موجودیت این مملکت دفاع خواهد کرد شاهنشاه آریامهر بهنگام مصاحبه با مخبر مجله (بیزنس ویک) فرمودند که ما در مقابل هرگونه فشار خارجی و تهدید خارجی سیاست مستقل ملی خودمان را رها نمیکنیم و اگر کمپانیهای نفتی و یا استعمارگران در مقابل ما توطئه کردند ما مقابله به مثل خواهیم کرد ما کشوری هستیم که چند هزار سال تاریخ پرافتخار داریم در طول این چند هزار سال بر ما حوادث و جریانات

گوناگونی گذشته ولی هیچگاه محو و نابود نشدیم و در مقابل تمام این حوادث و جریانات گوناگون ایستادگی کردیم و موجودیت خودمان را حفظ کردیم زمانی بود که مانفت نداشتیم ولی با سرفرازی و افتخار و عظمت زندگی میکردیم و امروز هم آنچه که ایران را نگهدارند و حفظ میکند نفت نیست بلکه آنچه که ایران را نگهدارند هویت ملی و فرهنگ درخشان و با عظمت این سرزمین است (احسنت) ما برای گشودن دروازه‌های تمدن بزرگ تنها به پول احتیاج نداریم بلکه دستهای توانای ملت ایران بیشتر از پول برای ما ارزش و اهمیت دارد (احسنت) همانطور که آقای نخست‌وزیر هم در سخنرانی خودشان گفتند نفت یک منبع زوال پذیر است در حالی که نیروی کار ما سرچشمه‌ای زوال پذیر دارد و این یک حقیقتی است که هریرانی میداند ولی توطئه‌گران و استعمارگران در هر موقعیتی علیه ما توطئه می‌کنند و تحریک می‌کنند و میخواهند که مانع پیشرفت و ترقی ما بشوند (یک نفر از نمایندگان نمی‌توانند) ولی ما بارهبری شاهنشاه بزرگ خودمان به پیش میرویم و هیچگونه هراسی از این دشمنان نداریم یک روز آنها برای ما کنفدراسیون درست کردند و در جلوی راه جوانان ما و دانشجویان ما دام گسترده کنفدراسیونی که در واقع پایگاه کمونیسم بین‌المللی است ولی همانطور که فرمودید آنها کاری از پیش نبردند و همه توطئه‌هایی که علیه ما کردند نقش بر آب شد و باز همه شما دیدید آنها سازمان عفو بین‌المللی را علیه ما شوراندند و چندی قبل دشمنان ملت ایران را به آمستردام فراخواندند که علیه ما توطئه کنند ولی باز هم رسوا شدند و حتی با اسنادی که در آلمان بدست آمد معلوم شد که این عفو بین‌المللی در بسیاری از کشورها شعبه ایجاد کرده است برای اینکه در مقابل کشورهای جهان سوم که میخواهند از منافع خودشان دفاع کنند تحریک و توطئه نماید بهر حال امیدوارم که مسؤلان مملکت در انجام این هدفهای مهم اقتصاد و اجتماعی و سیاسی که در این بودجه نهفته است موفق باشند و بیش از پیش میتوانند به نیت مقدس رهبر مملکت جامه عمل بپوشانند و بخصوص امیدوارم که در راه اجرای فرمان اخیر شاهنشاه و تشکیل کمیسیون

شاهنشاهی که جلوگیری از ضایعات و استفاده هر چه بیشتر از امکانات مالی مملکت است موفقیت بدست آورند خیلی متشکرم (احسنت).

رئیس - آقای عبداللطیف شیخ الاسلامی بفرمائید.

عبداللطیف شیخ الاسلامی - بنده، قبل از اینکه عرایضم را شروع کنم تشریف فرمائی شهبانوی گرامی را به مجلس شورای ملی گرامی میدارم (احسنت) و در بزم آمد که در بدو عرایضم نسبت باین موضوع اشاره‌ای نکنم واقعاً این شهبانوی عزیز ایران بود که در تاریخ مشروطیت سابقه نداشت که در جلسه علنی مجلس شورای ملی حضور پیدا کنند و این در شأن نمایندگان ملت و نمایندگان رستاخیز است که این افتخار را پیدا کنند که مورد تقدیر شاهنشاه و شهبانوی ایران قرار بگیرند (صحیح است) چون ما همه از قلب خودمان و ازایده و آرمان خودمان شاهنشاه را می‌بینیم و علاقه با اجرای اوامر مطاعشان داریم این مطلب ثابت میکند که به حق مورد توجه شاهنشاه و شهبانو مجلس رستاخیز و نمایندگان آن قرار بگیرند ولی من خیلی متأسفم از اینکه سه شبانه روز در مجلس به سنت مشروطیت خوابیدم برای اینکه بتوانم به نمایندگی کشاورزان مریوان صحبت کنم.

رئیس - آقای شیخ الاسلامی این بزرگترین افتخاری بود که توانستید امروز در این جلسه حضور داشته باشید.

عبداللطیف شیخ الاسلامی - حق بود یک نماینده کشاورز هم صحبت کند بنده فکر میکنم که نقض آئین‌نامه مجلس شورای ملی شد که بنده نتوانستم در نوبت خودم عرایضم را بکنم.

رئیس - آقای شیخ الاسلامی نوبت جنابعالی بعد از آقای دکتر تجدید بود.

شیخ الاسلامی - همانطور که یک کارگر مورد حمایت مقام سلطنت قرارداد یک کشاورز هم مورد عنایت هست اما مطالبی که راجع به بودجه دارم، جناب آقای رئیس، همکاران گرامی - خانها آقایان، قبل از شروع مطالبم بموضوعی اشاره می‌کنم که خیلی مورد توجه

جناب نخست‌وزیر است انتقادات نمایندگان مجلس شورای ملی از دستگاههای اجرائی دولت بمعنی مخالفت با سیاست دولت نیست بلکه اجرای اوامر شاهنشاه آریامهر در چهار چوب حزب رستاخیز ملت ایران است که به انتقادات سازنده و گفت و شنود و پیشنهادها از سطح روستا و کانون همسای روستائی تا مجلس شورای ملی اشاره فرموده‌اند و روی آن خیلی تاکید شده و مورد توجه حزب و دولت هم هست و باید هم در عصر رستاخیز صدق کند.

مثالی را می‌خواهم بآن اشاره کنم:

یک طرف پراز مغز بادام را بمجلس می‌برند هریک یک دانه از آن را به دهان می‌گذارند در میان جمعی که نشسته‌اند در دهان یکنفر یک مغز بادام تلخ است تمام حضار در مجلس متوجه می‌شوند که این مغز بادام تلخ است چون انتظار می‌رود واصل هم همین است که شیرین باشد ما هم وظیفه داریم که دولت جنابعالی را متوجه سازیم که حتی یکدانه تلخ هم بیرون نیاید. (احسنت).

دگرگونی خارق‌العاده ایران را در دوران انقلاب و در عصر استثنائی پهلوی کسی منکر نیست همه این پیشرفت و جهش عظیم را عیناً مشاهده نموده‌ایم ما خودزائیده این انقلاب هستیم و همچنانکه جناب نخست‌وزیر اشاره می‌فرمایند این پیشرفت و جهش همچنانکه برای تمام ملت ایران است آحاد افراد ملت در آن سهیم و شریکند متأسفانه بعضی از مسئولین اجرائی بمحض اینکه در جواب صحیح و مثبت دادن بنمایندگان خسته یا عاجز شدند پیشرفت انقلاب ایران را تحت رهبریهای بزرگ رهبر ایران برخ ماسی کشند مثل اینکه ما اطلاع نداریم ما را از جریان آگاه می‌سازند برای مثال در کمیسیون بودجه یکی از نمایندگان محترم در مورد وضع کشاورزی و کشاورز اظهاراتی نمود یکی از مسؤلان اجرائی بجای جواب قانع کننده و مثبت به افزایش درآمد روستائیان و مقایسه آن راقبل از انقلاب تا سال جاری بیان نمود که چندین برابر شده است.

مگر در ایران فقط درآمد سرانه کشاورز بالا رفته؟ مگر انقلاب ایران فقط برای کشاورز بوده مگر ثمرات انقلاب را فقط روستائیان برده‌اند؟ خیر انقلاب ایران برای همه ملت ایران بوده و همه از او بهره‌مند شده‌اند (صحیح است) با تفاوت اینکه طراح انقلاب بایک درایت و

کفایت و دلسوزی و منطبق با عدالت اجتماعی انقلاب را طوری پی‌ریزی نموده که هر طبقه ضعیف تر و زحمت کش تر بوده سهم بیشتری را از انقلاب برده است.

کشور ما در حال حاضر نسبت به دوره‌های قبل از انقلاب و قبل از سلطنت غرور آفرین دودمان پهلوی باید جزو کشورهای پیشرفته جهان حساب نمود ولی نسبت بارادو آمال و ایده ای که شاهنشاه برای ملتش می‌خواهد و پی‌ریزی هم نموده در حال پیشرفت و سیر تکاملی بسوی دروازه تمدن بزرگی هستیم که فقط اندیشه شاهنشاه راهنما و راهگشای ما برای رسیدن باو است (احسن است).

جمعیت ایران را دو گروه شهرنشین و روستائین تشکیل می‌دهند.

بجا می‌دانم داستان کوتاهی را از شاه پرستی مردم روستائی آن زمان که حتی انقلاب سفیدی نبوده و مردم فقط اسم شاهشان را شنیده‌اند برای ثبت در اسناد مجلس شورای ملی بازگو کنم یک نفر کشاورز باغ اناری داشته که یکی از سلاطین وقت برای شکار گذارش باغ می‌افتد به باغبان می‌گوید یک لیوان آب انار برایم بگیر و بمن بده باغبان از دو یا سه انار لیوانی را پراز آب انار نموده و به سلطان می‌دهد سلطان در دل با خودش می‌گوید که باغ باین عظمتی چرا مالیات زیادی پایش نگذارم که از این همه درآمد باید مالیات بیشتری بپردازد چند روز بعد بازم سلطان گذارش به باغ می‌افتد و آب اناری خواهد بیشتر از . ه انار را فشار می‌دهد هنوز لیوان پر نمی‌شود سلطان سؤال می‌کند که چطور دفعه قبل با دو انار لیوان پر شد و حالا با پنجاه انار هنوز پر نشده باغبان پیر در جواب می‌گوید سلطان وقت نیتش با ما عوض شده و رزق ما کم شده — منظورم از گفتن این داستان عقیده و ایمان روستائیان به نیت شاه بود که عوض شدن نیت شاه را حتی در آن موقع در ثمر باغ و میوه خود هم چنین در کلیه شؤون اجتماعیشان مؤثر میدانند. من بوضع شهرنشینها اشاره نمی‌کنم چون رجال مملکت و صاحب نظران و برنامه ریزان مملکت خود شهرنشین هستند و بوضع خودشان خوب رسیده و می‌رسند — ولی وضع روستائیان از هر نظر قابل توجه و بررسی است — زیرا این گروه اولاً اکثریت ملت ایران را تشکیل می‌دهند — در ثانی اینها همان طبقه هستند که سند انسانیت و انسان بودن آنها بدست توانای بزرگ رهبر ایران شاهنشاه آریامهر با آنان اعطا گردید تا آن زمان از محرومترین طبقه اجتماع ایران بودند باید از ثمرات انقلاب سهم بیشتری ببرند تا به پای دیگر

هم میهنانشان برسند این موضوع را هم نمی‌شود انکار نمود که روستائیان ما در گذشته در سالهای خشک سالی دچار قحطی و گرسنگی و ناامنی می‌شدند ولی حالا از پرتو ذات شاهنشاه آریامهر بر طرف شده است. ولی از حق هم نباید گذشت در هیچ شرائط سخت زندگی این طبقه زحمت کش اصالت شاه پرستی و میهن دوستی خود را از دست نداده گواه صدق عرایضم حفظ تمامیت ارضی ایران در نوسان های بین المللی بوده است.

در بهمن ماه سال ۱۴۰۱ باراده داهی انقلاب ایران صاحب زمین و آب و اراده و شخصیت شدند بعد از این انقلاب که از نظر آنها باور نکردنی بود وضع خود را غیر از گذشته دیدند و دیدند دارای شخصیت اجتماعی هستند — برای تکمیل و استفاده از این موهبت به تکاپو افتادند — تلاش برای زندگی بهتر غریزه فطری هر انسان است. دولت تصمیم گرفت که در اجرای اوامر شاهنشاه آریامهر امکانات بهتر زندگی کردن برایشان فراهم نماید ولی دستگاههای اجرائی نتوانستند همگام با تبلیغات رسانه‌های گروهی پیش بروند نتیجه این شد که مهاجرت روستائیان به دنبال بهتر زیستن به شهرها شروع شد — دولت متوجه شد که نمی‌تواند در شصت و چند هزار روستا امکانات رفاهی را بمردم بدهد بفرک شهرک‌سازی زیر عنوان مراکز عمران روستائی افتاد که متأسفانه در آنهم نتوانست بطور بایسته و پیش بینی شده موفقیت حاصل نماید — البته روستائیان هم یک مقدار برای استقبال از وسایل رفاهی عجله بخرج دادند. در شهرستان مریوان حوزه انتخابیه بنده که سیصد و شش آبادی است دو مرکز عمران روستائی سالها است شروع شده و هیچ قابل بهره‌برداری نشده و در برنامه پنجم عمرانی هم بنظر بنده حاضر نخواهند شد — بنده مخالف سیاست تشکیل مراکز عمران روستائی نیستم ولی اصولاً همه ما مخالف برنامه‌ای هستیم که باین طریق دولت را سرگرم و سردم را مأیوس نماید کشور ما صنعتی میشود و باید هم بشود چون یکی از شرائط رسیدن ما به دروازه تمدن بزرگ صنعتی شدن کامل کشور است ولی آیا برای صنعتی شدن کشور باید صنعت را به روستاها برد یا مردم را در چند جای معین و پرترا فیک دور صنعت جمع نمود این سؤال ساده است و جوابش را هم اکثرأ دولت داده است و باید صنعت روستاهای کشور برده شود — ولی آیا این سیاست اگر صحیح اجرا می‌شد مهاجرت روستائیان بشهرها صورت می‌گرفت آیا احتیاج به سیاست عدم تمرکز پیدا می‌کردیم — آیا ترافیک

تهران بوضع امروزی می‌رسید — آیا هزاران تولید کننده به صف مصرف کننده می‌پیوست — آیا تا این حد افزایش سرسام آور قیمتها را می‌دیدیم بعقیده بنده خیر.

نزدیک به دو سال از اجلاس مجلس رستاخیز می‌گذرد — نمایندگان محترم مجلس یا شخصاً کشاورز هستند و یا حداقل نماینده کشاورز — در جلسات علنی مجلس و جلسات متعدد مجلسین و در جلسات حزبی — از سیاست کشاورزی راههای روستائی صحبت شده و پیشنهادات متعدد و شاید مفیدی هم داده شده چه اقداماتی را در این موارد نموده و چه قدمهایی برداشته شده؟ جواب منفی است واقعیت این است که فقط سیاستی را دنبال نموده‌اند که در آن به پیروزی قابل توجه در امر کشاورزی نرسیده‌اید در مورد بهاء تولیدات کشاورزی و برابری آن با حساب صحیح دخل و خرج صحبت نمودیم فرمودند با ازدیاد بهای گندم تورم ایجاد می‌شود افزایش قیمت پیدا می‌شود چاره‌ر روز به بهای اشیاء لوکس اضافه می‌شود و حتی قیمت قبل از ظهر با بعد از ظهر را می‌شود تشخیص داد خطری متوجه نیست و تورم ایجاد نمی‌شود ولی با افزایش بهای گندم بطوریکه فقط با محاسبه صحیح برای کشاورز و کشت کار ضرر نکند قیمتها سرسام آور می‌شوند.

بیست سال پیش کشور ترکیه از نظر کشاورزی از ما عقب افتاده نبود ولی حالا ما گوسفند می‌فروشیم به بازار مشترک اروپا حیوانات صادراتی می‌کنیم بررسی نمی‌کنیم این علتش چیست؟ علتش این است که شما توجه خود را بصنعتی نمودن کشور جلب نموده‌اید و به کشاورزی اهمیت نمی‌دهید و هنوز به صنعت نرسیده‌اید کشاورزی سنتی ایران را که مورد توجه شاهنشاه هم هست از بین بردید علتش اینست که بانک کشاورزی شما وامی را که بیک کشاورز واقعی و خود کار می‌دهد باندازه‌ای نیست که بتوان آنرا در راه کشاورزی بمصرف رسانید علتش اینست که بانک کشاورزی شما اینقدر که به برگرداندن پول به بانک اهمیت می‌دهد به صحیح مصرف نمودن آن در راه طرح تهیه شده نمی‌دهد نتیجه این میشود که بانک کشاورزی ایران تبدیل به بانک تجارتي و نزولی در ایران شده است.

موضوع راه بطور کلی چه فرعی و چه روستائی را همه میدانند تا چه حدی مورد علاقه و تأکید پارلمان بوده برای نمونه عرض می‌شود در یک منطقه مریوان بنام ژاورده ۶۰ هزار نفر ساکنین آن در سال حداقل ۷ ماه ارتباطشان با مرکز بخش — شهرستان — در مانگاه —

دکتر — دارو — و حتی کمک‌های اولیه قطع است و بجز بای سیم ژاندارمری نمی‌توانند با هیچ جای ایران تماس بگیرند بارها و بارها بوزارت راه و ترابری به تعاون و امور روستاها به سازمان برنامه به تمام دستگاههای ذیربط مراجعه نموده از اول برنامه پنجم بما گفته‌اند که کارهای مطالعاتی تمام شده و جزو برنامه‌های زمان بندی شده است و حال هم که برنامه پنجم به پایان نزدیک است همان جواب اول را می‌دهند نزدیک به دو سال است بنده افتخار خدمتگذاری مردم مریوان را در مجلس شورای ملی پیدا نموده‌ام تا حال برای کار شخصی بهیچ مقامی مراجعه ننموده‌ام ولی با کمال تأسف با زهم با کمال تأسف برای کارهای عمرانی حوزه انتخابیه‌ام تا کنون برای نمونه یک جواب مثبت از هیچ وزارت خانه و یا دستگاهی نگرفته و نشنیده‌ام جواب نامه‌هایم طبق معمول چند جمله مکرر نوشته می‌شود — در دست اقدام است به مقاطعه کار داده شده به اداره مربوطه ارجاع گردیده و نتیجه متعاقباً اعلام خواهد شد هنوزم که هنوز است موفق باخذ یک نتیجه مثبت برای یادگار و ثبت نمودن آن در دوره نمایندگیم نشده‌ام.

مدتی است که دولت سیاست عدم تمرکز را خیلی جدی دنبال میکند.

بعرض می‌رسانم عدم تمرکز یعنی عدم تمرکز ریالی یعنی عدم تمرکز صنعت یعنی عدم تمرکز کار در هر جا کار باشد. در هر جا پول باشد جمعیت دنبال آن می‌روند ولو شرائط هر قدر سنگین و غیر قابل تحمل باشد استانی نمودن بودجه و شرکت دادن انجمن‌های ملی در توزیع اعتبارات و نظارت دقیق در خط مشی‌های دولت و ملت ایران را شاهنشاه روشن فرموده — یک یک مواد انقلاب ضمن اینکه ارتباط مستقیم با هم دارند.

اگر بان خط مشی‌های روشن شده را دنبال کنیم بنظر من خیلی سریع تر و زودتر به هدف اصلی نزدیک می‌شویم.

بحث دیگر در مورد آموزش و پرورش است در جلسه مشترک مجلسین که با حضور جناب نخست وزیر و دبیر کل حزب رستاخیز و وزیر آموزش و پرورش تشکیل شد مختصر عرض شد و پیشنهاد نمودم که از وجود روحانیون در روستاها برای تدریس قرآن و دین استفاده شود که هم به این طبقه محروم از نظر مادی کمک شده باشد و هم نوجوانان ما با قرآن و دین آشنائی پیدا کنند و بعقیده بنده قطعی که با نور ایمان و عقیده روشن باشد انحراف

پذیر نیست امیدوارم که مورد توجه قرار گرفته باشد. همکار گرامیم جناب عاملی خیلی صریح و مشروح اشاره فرموده اند ولی موضوعی که بیش از هر چیز مرا عذاب می دهد انحراف عده از جوانان مادر خارج از کشور است بنده اطمینان دارم که ایرانی پالک است و پالک بدنی می آید و اگر انحرافات در زندگی پیدا کند بجز فریب خوردگی چیزی نیست - ولو اینکه لحظه آخر هم باشد پشیمان می شود.

از آنجائیکه پیشرفت سریع ایران دشمن ما را کور نموده و نمی تواند او را ببیند شکی نیست و تلاش مذبحخانه دارد که شاید بهر عنوان بتواند در راه پیشرفت وقفه ایجاد کند یا حداقل یک تبلیغات سوء جهانی داشته باشد جوانان دانشجوی ما که بخارج می روند اکثراً زبان خوب نمی دانند و وضع خودشان را نمی توانند مستقلاً کنترل و اداره نمایند دشمنان ما هم همیشه در کمین هستند از همان فریب خوردگان و بدبختانی که در خارج از کشور هستند استفاده می کنند و حتی آنها را بفروندگان هتل ها و جاهائیکه خط سیر دانشجویان تازه وارد باشد می فرستند - طبیعی است که هر انسانی یا جوانی در مملکت غربت نشنه محبت و راهنمایی است این عده گمراه سر راه را باینها می گیرند با نیرنگ و حیل و تزویر آنها را بدام می اندازند بنده برای حل این موضوع دو پیشنهاد دارم: ۱ - ازدانشجویانیکه رفتار آنها مورد تأیید مقامات ذیصلاح ایرانی است کمیته راهنمایی دانشجویان از خود تشکیل شود و مقامات دولت شاهنشاهی هم راهنمایی کامل کمیته را بعهده بگیرند.

۲ - برای هر کشور خارج که دانشجوی ایرانی اعزام می شود یک نسخه راهنمای دانشجوی چاپ و در دسترس آنها حداقل یک ماه قبل از اعزام قرار گیرد که تا رسیدن به کمیته سرگردان نشود.

یکی از روشهایی که مابین با پیشرفتهای کشاورزی در مملکت است تأسیس مدارس به سبک مغرب زمینی در روستاها است و بدین سبب رابطه کشاورز با زمین و آب و سنت خانوادگی قطع شده است با طرز کنونی پس از آنکه دانش آموز دوره ابتدائی و دبیرستانی را گذراند با وجود علاقه به زادگاه و سنت خانواده مایل به ادامه کشاورزی نخواهد شد چون باصطلاح با او بیگانه شده است بدولت پیشنهاد می نمایم که مدارس نیم روز شود نصف روز بتحصیل و آموزش گرفتن و نیمی در مزارع بکارآموزی بپردازند - که باین روش بهم پیوستگی کشاورز با زمین و آب گسسته نخواهد شد روستازاده باسواد و با معلومات با

علاقه فطری که به زادگاهش دارد در تکمیل فن کشاورزی مسلماً خواهد کوشید موضوع دیگر تربیت معنوی دانش آموزان است ناطقین قبل از من راجع به معنویات و شرافت و تربیت صحبت کردند بعقیده من آئین پیش آهنگی بهترین مدرسه کسب معنویات و حیثیت و تکمیل شرافت است. از جناب آقای نخست وزیر استدعا دارد که بودجه بیشتری را به تربیت جوانان مخصوصاً پیش آهنگی اختصاص دهند.

در مورد وزارت پست و تلگراف، چند سال پیش از مردم شهرستانها پول گرفته شده که تلفن خود کار برای شما نصب می شود مردم هم باعلاقه زیادی پول به حساب ریخته اند بخاطر ریختن پول بحساب مسئولین در محل وعده بسیار نزدیکی را می دهند مثلاً سال آینده تلفن خود کار شما بکار خواهد افتاد بعد از دو سال تازه وزارت پست و تلگراف می نویسد که در چهار و یا پنج سال دیگر بهره برداری خواهد شد آیا این صحیح است آیا دولت احتیاج به خواباندن این پول در بانکها دارد؟ آیا این قبیل کارها اعتماد مردم را از دستگاه سلب نمی نماید؟ بنده استدعا می کنم همچنانکه شاهنشاه می فرماید عین واقعیت و صداقت را با مردم در میان بگذارید - و مطمئن باشید مردم از عدم اجرای برنامه یک هزارم خلاف وعده ناراحت و ناراضی نمی شوند. جناب نخست وزیر در کمیسیون بودجه به آمایش سرزمین اشاره فرمودند بنده بنوبه خودم بنام یک ایرانی از این ابتکار و اقدام دولت بی اندازه خوشوقت و سپاسگزارم و خیلی مختصر هم بان اشاره می کنم - و توجه دولت را باین نکته جلب می نمایم که ما در حال حاضر چه از ترافیک تهران وجه از ترافیک برنامه بستوه آمده ایم و زندگیمان را دارد فلج می کند ترافیک تهران که معلوم است و اما ترافیک برنامه بسیاری از پروژه های زمان بندی شده برنامه پنجم و حتی چهارم هم هنوز شروع نشده برنامه ششم رسیده با کمبودهایی که او را تنگنا می نمایم و انصافاً ناشی از جنبش و جهش و پیشرفت سریع و عظیم مملکت است دچار شده و نمی توان در فصل معین و زمان بندی شده انجام داد، به دولت پیشنهاد می نمایم که برنامه ششم را طوری طرح ریزی نمایند که مطابق برنامه ریزی آمایش سرزمین باشد و با آن وفق بدهد زیرا آمایش سرزمین هر منطقه یا استان یا محوری از چه ویژگیهای طبیعی برخوردار است وجه نوع پروژه ای صنعتی یا فرهنگی یا کشاورزی را شایسته است و به چه طریق می توان بهتر نتیجه گرفت مشخص نموده است از

ضایعات بودجه از اتلاف وقت خیلی خوب می شود جلوگیری نموده موفقیت دولت را در این راه از خداوند متعال خواستارم.

با توجه باینکه وظیفه مجلس شورای ملی نظارت کامل بر خرج و دخل مملکت است به دولت خدمت گذار جناب آقای هویدا پیشنهاد می نمایم که برای بودجه در هر سال قبل از اینکه بودجه سال آینده در مجلس مورد رسیدگی قرار گیرد - برنامه های سال جاری را بطور کامل تفکیک شده بدین طریق که در هر استان سالانه مسئولین اجرای پروژه گزارش کار و فعالیت صحیح رابه نخست وزیر بدهد نخست وزیر هم در جلسه مشترک با نمایندگان مجلسین و با حضور مسئولین وزارتخانه مربوطه به بررسی بپردازند و برنامه ها را بهم دیگر مخلوط نمایند - اگر مدت زمان پروژه طولانی است و باید در چند سال تمام شود به نسبت پیش بینی هائیکه مطابق آن بودجه اش تعیین شده بررسی شود بنظر بنده این کار هم نمایندگان مجلس را قانع خواهد نمود و هم مسئولین اجرائی را و ادار به سرعت بیشتر در کار خواهد کرد موضوع دیگری که جالب است دیر رسیدن اعتبارات به استانها و شهرستانها است ما وقتی با مسئولین اجرائی محل مثلاً در اواسط سال تماس می گیریم هنوز بودجه همان سالشان حواله نشده در حقیقت آنها هم در عدم انجام و یا تأخیر پروژه بی تقصیرند. پولی را که طبق مفاد تبصره ۱ در اختیار نمایندگان گذاشتند گواه صدق عرایض می باشد - زیرا قسط سوم پول که هنوز پرداخت نشده قسط دوم آنهم در دیماه حواله شده که باوضع جغرافیائی بعضی از مناطق مختلف کشور نمی شود کاری را انجام داد پس ما چه قدر در بصرف رساندن این مبلغ جزئی پول مقصریم دستگاههای اجرائی استانها و شهرستانها هم همینقدر مقصرند. پیشنهادی دارم که من غیر مستقیم به انقلاب اداری برمی گردد.

وآن اینست که برای مراجعه کشاورزان به مراجع اداری که مربوط به کارشان می شود یک جدول زمانی وسیله متخصصین تهیه شود بدین طریق که مثلاً برای گرفتن وام از بانک کشاورزی و یا کار تعاونی و هر کار دیگر مشخص شود که چند روز از تقدیم عرض حال اولیه تا جواب نهائی باید طول بکشد و مسئولین اجرائی موظف شوند که در ظرف مدت معینه جواب آنها را بدهند که دیگر باعث چندین روز معطلی یک انسان کشاورز یا کارگر که مملکت بکار او احتیاج دارد نشود و مراجعه کننده

پس از تسلیم عرض حال سرکارش برود و در موعد مقرر برای نتیجه مراجعه نماید (احسنست).

رئیس - آقای کبیری بفرمائید.

کبیری - با اجازه مقام ریاست و همکاران عزیز، عرایض بنده در دو قسمت بعرض همکاران محترم خواهد رسید، قسمت اول از روی نوشته ای است که قرائت می کنم و قسمت دوم از روی یادداشت هائی خواهد بود که عرض خواهم نمود و تند نویس آن گرامی مجلس باید لطف کنند و آنها را ثبت بفرمایند.

بنام خداوند توانا و بنام شاهنشاه آریامهر با اجازه مقام ریاست مجلس شورای ملی، همکاران ارجمند خانها آقایان گزارش کمیسیون بودجه شماره ۳۷-۲۵۳۵/۱۲/۹-۵۳۷ طبع و توزیع و اکنون در جلسه علنی مجلس شورای ملی مورد رسیدگی قرار گرفته است. مورد مطالعه قرار داده ام عرایض خود را در ماهوی امر باستحضار همکاران عزیز میرساند قبل از ورود در ماهیت گزارش کمیسیون موقع را مغتنم شمرده به هیئت پنجاه سال سلطنت پرشکوه دودمان پهلوی بودجه ۲۵۳۶ کل کشور ایران در زمانی که مجلس شورای ملی تقدیم شده است که ملت حق شناس ایران در بزرگداشت پنجاه سال سلطنت افتخار آفرین اعی حضرت رضاشاه کبیر و اعلی حضرت محمد رضاشاه پهلوی آریامهر با برپا نمودن جشن و سرور سال ۲۵۳۵ را بپایان می برند در این ایام پر خیر و برکت همانطور که در گزارش کمیسیون آمده است فرزندان شاهنشاه از تاریخ سوم اسفند لغایت روز دوشنبه نهم اسفند در طی ۲۷ جلسه در ۱۰۸ ساعت شب و روز با الهام از اندیشه های تابناک پدر تاجدار در کمیسیون بودجه مجلس رستاخیز بهنگامی بودجه سال ۲۵۳۶ را بررسی و تصویب نمودند که حزب رستاخیز ملت ایران در راه تحقق رسالت تاریخی و اجرای اصول مقدس سه گانه در کشور عزیز ایران با پیروزی چشم گیری روبرو شده است و طی مدت کوتاه عمر خود ملت ایران را زیر لوای مقدس شاهنشاهی متحد و یکپارچه ساخته است برکت این اتحاد و یکپارچگی بوده است که انقلاب ایران موفق و سر بلند در راه بوجود آوردن ایرانی آباد و مستقل و مقتدر و با اقتصادی شکوفا و نیرومند به پیش می رود و مقام و منزلتی را که شایسته ملتی که هرسال با رهبری هوشمند و دلسوز در مقام والای پدری این چنین به پیش می تازد نمایندگان مجلس رستاخیز در سایه رهبریهای خردمندانه و سیاست مدبرانه و تعالیم حکیمانه شاهنشاه آریامهر چه در کمیسیون بودجه و چه در سایر کمیسیونها و جلسات علنی شب و روز تلاش و

کوشش می‌کنند تا وظیفه مقدس ملی رستاخیزی خود را بمنصبه بروز و ظهور برسانند و از سوی تمام همکاران عزیز عرض میکنم شاهنشاه سلامت تو سعادت ما است و بقاء تو عظمت ما است.

همکاران عزیز در جلسه اول اسفند لایحه بودجه با چهار پیوست تحت عناوین گزارش نخست‌وزیر درباره وضع اقتصادی کشور در سالهای ۲۰۳۶ عمل کرد بودجه شرکتهای دولتی و مؤسسات انتفاعی وابسته بدولت و اعتبار طرحهای عمرانی سرمایه‌گذاری ثابت به‌مراه دارد واقعاً با مروری در اقلام بودجه و باسیری در متون آنها ملاحظه می‌شود در هر یک از فصول آنها نقش بدیعی آفریده است و از لحاظ بودجه برنامه‌ای با مختصر توجه میتوان دریافت که پدیده‌ای است بس مهم و ارزنده جای آن دارد جناب آقای دکتر مجیدی و همکاران محترم ایشان تبریک بگویم که تحت ارشاد و هدایت شاهنشاه آریامهر واقعاً نه تنها بودجه کل کشور را تنظیم و ترسیم نمودند شاهکار بدیعی خلق نمودند و از جناب آقای نخست‌وزیر که در تمام طول قرائت گزارش قیافه خندان و شخصیت اخلاقی خود را با شاهکار ادبی که مخصوص ایشان است چنان درهم آمیخت که استماع آن فرمایشات برای هر ایرانی غرور آفرین بوده است و با آن بیانات شیوا عرایض قبل از دستور بنده را چنان محو نمود که نه در زوایای رسانه‌های گروهی ونه درجائی انعکاس نیافت و با استماع فرمایشات جناب آقای نخست‌وزیر در کمیسیون بودجه در تأمین آزادی ملت ایران مخصوصاً نمایندگان ملت به بنده دلگرمی بخشیده است که در محضرش استدعا کنم رویه مطلوب کمیسیون بودجه در تمام کمیسیونها و جلسات علنی تعمیم یابد تا پیش از گذشته بیانات نمایندگان بدون واسطه بگوش ملت ایران برسد تا بموازات تحولات شگرف ملت ایران بسوی ترقی و تعالی از این لحاظ نیز به پیشرفت لازم نایل آئیم اینک با عرض مقدمه بالا همانطور که در گزارش آمده است تقارن بودجه اسسال با پایان دوران طلائی برنامه عمرانی پنجم برنامه ششم عمرانی کشور و نوآوری‌های آن از بهمن ماه ۲۰۳۶ آغاز میگردد با تجارب پایان برنامه پنجمین برنامه یقین دارد در برنامه ششم عمرانی کشور بهدف منظور که رسیدن بان دروازه‌های تمدن بزرگ است طرح ریزی شده است امید همه ایرانیان وطن پرست این است که در برنامه ششم همه نیروی ملت مصروف رفع مشکلات برنامه پنجم متمرکز شود مسئله کشاورزی با حمایت از تمام تولیدات از اولویت ویژه‌ای

برخوردار شود و برای خود کفائی تولیدات تولیدکنندگان متوسط و کوچک نیز از حمایت بیدریغ برخوردار شوند در آن صورت میتوان امیدوار بود که در بعضی رشته‌های کشاورزی بصادرات مطلوب نیز دست یابیم اینک براساس گزارش لایحه قانون بودجه سال ۲۰۳۶ کل کشور از حیث درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار بالغ بر سه هزار و پانصد و سی میلیارد و یکصد و شصت و چهار هزار ریال اعلام گردید که از حیث هزینه‌ها و سایر پرداخت‌ها بالغ بر سه هزار و پانصد و سی میلیارد و یکصد و شصت و چهار هزار ریال میباشد با توجه بدخل و خرج مملکت و با توجه به تمام جوانب امر بنظر بنده بودجه ۲۰۳۶ متعادلترین بودجه یک کشور در حال پیشرفت سریع میباشد و در مقیاس بین‌المللی نیز درخور توجه میباشد که علیرغم کاهش درآمدهای نفتی حاصل شده است ملت ایران افتخار دارد تحت توجهات شاهنشاه آریامهر اقتصاد ایران براساس درآمدهای غیر نفتی از افزایش ویژه‌ای برخوردار گردیده بسه نحو یکسده از ۲۴ درصد درآمدهای دولت از سال ۲۰۳۴ به سی درصد در سال ۲۰۳۶ بالغ گردیده است این رقم سی درصد نمایانگر زیر بنای اقتصاد سالم کشور است که امید می‌رود پس از سالیان دراز درآمد غیر نفتی از قطبهای صنعت جای درآمد حاصله از فروش نفت و مشتقات آنرا بگیرد این همان چیزی است که بارها مورد بحث و امعان نظر شاهنشاه آریامهر قرار گرفت با تحلیلی از گزارش کمیسیون و ابعاد بودجه ملاحظه میشود در طول برنامه پنجم عمرانی وظایف دولت بچهار قسمت امور عمومی دفاع ملی و اجتماعی و اقتصادی تقسیم شده است هر یک از این امور بچند فصل و بچند برنامه تقسیم شده است دستگاه اجرائی این برنامه چه بصورت جاری و چه بصورت سرمایه‌گذاری ثابت مشخص گردیده است که نیازی به بحث ندارد اینک بعدم تمرکز اشاره میشود مسئله عدم تمرکز از مدت‌ها است که بحث محافل گوناگون را برانگیخته است و مورد توجه شاهنشاه ایران زمین نیز واقع شده است هدف این بود سیاست عدم تمرکز در مرحله اجرا در برگیرنده تمام واحدهای روستاهای مملکتی باشد نه اینکه از پایتخت کشور بمركز استانها متمرکز گردد اگر عدم تمرکز همانطور که پیش بینی شده است همراه با تفویض اختیارات باستانها باشد و از استانها با همان کیفیت و اختیار به شهرستانها و بخشها و روستاها باشد قسمتهای مهمی از اعتبارات خاص ناحیه‌ای حل خواهد گردید و با جلب مشارکت عمومی حداکثر فعالیت

بکار خواهد افتاد دیگر پیمان کار استان نمی‌تواند در ساختمان حمام تقلب کند یا در ساختن پل سیمان‌مورد نیاز را مصرف نکند و همچنین بامید ظاهر سازی امکان ندارد مورد پیمان را تحویل موقت بدهد و با همان امضاء تحویل موقت را سند پایان کار جا بزند در این مورد تصور میکنم عموم نمایندگان محترم باینده هم عقیده باشند که عده‌ای از پیمان کاران که از مراکز استانهای کشور با انعقاد پیمان کار راهی شهرستان میشوند حاضر نیستند کارهای خود را براساس پیمان بدرستی انجام و تحویل دهند ادارات شهرستان نیز حق نظارت ممکن است داشته باشید با مشاهده انواع تقلب با دادن گزارش وظیفه خود را خاتمه یافته تلقی میکند اکثر گزارشات شهرستانها نیز استان کمتر توجه میکند این جریان نامطلوب از یکسو و از سوی دیگر موضوع عدم دخالت نمایندگان در بودجه شهرستان از نظر عمران و آبادی انگیزه بنده در طرح این مسایل گردیده است بنابراین وقتی از عدم تمرکز در تهران و تمرکز در استان میتوان نتیجه گرفت که بودجه عمرانی هر شهرستان براساس ضوابطی که در بودجه استان مورد عمل است تنظیم شود و هر نماینده مجلس بداند که اعتبار عمرانی حوزه انتخابیه اش چه مبلغ است و برای اولویت‌ها و جذب حوزه عمل انجمنهای دموکراتیک استان و شهرستان مورد رسیدگی و تصویب قرار گیرد بصورت بنده نمایندگان در تصویب بودجه حوزه انتخابیه خود هیچگونه تأثیری ندارند ظاهراً انجمن استان در موقع تقسیم بودجه گاهی اطلاع می‌دهد و اگر هم نداد و تصویب نمود اشکالی متوجه کسی نمی‌شود بنده تعجب میکنم نمایندگان مجلس که حق تصویب قانون بودجه را دارند چگونه در اساسی ترین موضوع بودجه حق ندارند اظهار نظر نمایند و اگر این تقسیم در مجلس شورای ملی مورد تصویب قرار گیرد تصور نمی‌کنم در کار انجمنهای استان و شهرستان اشکالی بوجود آید. موضوع دیگر عدم جذب پروژه‌های عمرانی بطور کامل در سطح استان میباشد اگر اعتبارات جذب نشده خاص ناحیه‌ای توجه بشود و ملاحظه خواهد گردید بعلت نبودن وسایل و لوازم کار با وجود تلاش همه جانبه استانداران و مدیران کل همه ساله قسمتی از اعتبارات عمرانی یا برگشت داده میشود و یا اینکه بهمان کیفیتی که انواع تقلب در اجرای قسمت زیادی از طرحها ملاحظه میگردد شش ثلث این است که در استان تمرکز می‌یابد و اگر این بودجه شهرستانی بشود با تماسیکه هر نماینده در حوزه انتخابیه خود با موکلین

خود دارند ممکن نیست اعتبارات عمرانی در سطح شهرستان جذب نشود من تصور میکنم همین اعتبار ابداعی دولت به نمایندگان مجلس بهترین دلیل بر صدق عرایضم باشد که بهترین پیشرفت عمرانی در نتیجه مشارکت ملت بدست می‌آید که مقامات استان از سطح استاندارالی مدیرکل و رئیس کل و غیره نظیر نمایندگان نمی‌توانند بلحاظ وظایف شغلی در حد نمایندگان مؤثر باشند امیدوارم اکنون که بودجه ۸ دستگاه اجرائی استانی به ۲۷ دستگاه اجرائی تکامل یافته است مسئله بودجه شهرستانی نیز مورد توجه و امعان نظر دولت جناب آقای هویدا قرار گیرد موضوع دیگر عرایضم مربوط با سر آموزش و پرورش کشور است که اهمیت آن مورد توجه مخصوص شاهنشاه قرار دارد و بر حسب مورد از اولویت ویژه‌ای برخوردار گردیده است با نگاهی بگزارش کمیسیون و با توجه با بعدا گسترده اعتبارات فوق‌العاده آموزش و پرورش و فعالیت چشم گیر جناب آقای دکتر گنجی وزیر آموزش و پرورش در مدت کمش کارهای ایشان در سازندگی این کاخ سعادت زندگی را بر قلوب ملت ایران پایه گذاری نموده هر کسی غیر از این راه را برگزیند بسر منزل مقصود کی تواند راه یابد اما معتقدم در مورد آموزش فنی گرچه امکان پیشرفت قدری هموار تر گردیده ولی آنچنانکه جامعه ایران بان نیاز دارد در اعتبارات این بخش یعنی آموزش فنی و حرفه‌ای توجه عمیق تری لازم بوده است و اگر به هنرستانها و مراکز تربیت حرفه‌ای پیش از آنچه در بودجه آمده اهمیت میدادیم موفق تر بودیم جناب آقای نخست‌وزیر در اکثر شهرستانهای ایران هنرستان و مراکز حرفه‌ای وجود ندارد و بخاطر دارم سال گذشته وزیر آموزش و پرورش برای حمایت از هنرستانهای کشور طرحی را ارائه نمود متأسفانه نماینده محترم مورد توجه قرار ندادند بهرحال اعتقاد دارم برای ساختمان کشور عزیز با افراد فنی نیاز مبرمی داریم از این نظر توجه جناب آقای نخست‌وزیر و وزیر آموزش و پرورش را به تقویت هنرستان و مراکز فنی جلب میکنم و در مورد آموزش عالی نیز از جناب آقای دکتر معتمدی که سالها در سمت ریاست دانشگاه انجام وظیفه نموده است با رقی در حدود ۵/۰ ملیون دانش‌آموز ابتدائی و راهنمایی و متوسطه پذیرش یکصد و هفتاد هزار دانشجو در سطح دانشگاه گرچه غرور آفرین است اما برای ایران امروز کافی نیست فردا را چه عرض کنم امیدوارم در تأمین

سعادت فرزندان شاهنشاه راه چاره‌ای اندیشیده شود تا در آتیه نزدیک این رقم به چند برابر برسد در زمینه تأمین رفاه اجتماعی و خدمات درمانی انسان نمی‌تواند واقعیت را نادیده انگار دو آنچه بنده اطلاع دارم و از دیگران تحقیق کردم جناب آقای دکتر شیخ الاسلام زاده خدمتگذار شاه و ملت است در مدت کم کارهای زیادی در این کشور انجام شده است که بی‌سابقه بوده است همین فعالیت چشم‌گیر در سطح کشور و بخدمت گرفتن صدها پزشک از ملیت‌های خارجی و تحول عظیمی که در کشور در اجرای فرمان‌رایگان و صدها پدیده‌های انقلابی دیگر نمودار بارزی از خدمتگزاری شاهنشاه و ملت ایران یخوبی نشان میدهد که اگر نواقصی وجود دارد در رفع نقص شخصیت دلسوزی در بهبود وضع شب و روز تلاش و کوشش میکند همانطور که عرض کردم نواقصی وجود دارد وقتی حسن نیت باشد نواقص برطرف میگردد شخصاً در دومورد نظراتی دارم اول در مورد معنادین نامه‌های زیادی به بنده رسیده است که چون جنبه شکایت دارد کاری بآنها ندارم اما افراد زیادی را میشناسم که سهمیه تریاک آنها را بدون جهت کسر کردند همسر یکی از همان اشخاص بمن مراجعه نموده بود و میگفت شوهرم سهمیه اش کم شده چند برابر باید پول بدهم تا بتواند خود را نگهدارد یکی از پزشکان متخصص که همکاری بنده است میگفت تریاک کی بدون تریاک نخواهد مرد ولی بنده خود شاهد بودم بر اثر کسر سهمیه اسهالی شد و مرد بهر حال من پزشک نیستم تا اظهار عقیده کنم آنچه بعرض رساندم نقل و قول از پزشک بود وزارت بهداشت را باید بوسایل گوناگون اول تمام بیماران معناد را درمان کند و بعد نسبت به سهمیه آنها اظهار نظر نماید و حتی با زور هم شده است برنامه را اجرا کند والا هنوز بیماران معناد درمان نشده‌اند تقلیل سهمیه جز فقیر را فقیرتر کند نتیجه‌ای ندارد بنابراین تا زمان درمان تمام سهم تریاک معنادان را دستور فرمائید بآنها تحویل کنند تا مجبور نشوند چند برابر بهای دولتی بطور قاچاق عمل نمایند موضوع دوم از وزارت بهداشت تقاضا دارم بمسئله گرانی خدمات بخش خصوصی هم توجهی فرمایند همینطور ویزیت بالا می‌رود سرویس بالا می‌رود تخت خیلی گران است خلاصه در مقام وزیر بهداشتی باید باین اشکال هم توجه فرمائید و ضمناً عده‌ای از کارمندان بخش خصوصی مدعی بودند صندوق رفاه باید بما افراد بی‌خانمان که در صندوق مشارکت داریم وام مسکن پرداخت کند امیدوارم باین سه مورد توجه فرمائید در مورد معلولین و عقب ماندگان جسمی نیز مراکز درمان فوق‌العاده کم است اگر

امروز یک طفل عقب افتاده به بیمارستان شفا یحیائیان مراجعه کند ماهها طول میکشد تا برای او جانی تدارک گردد آنچه بنده شنیدم یگانه بیمارستان منحصر بفرد این کشور است در این مورد چند طفل عقب افتاده به بنده مراجعه کردند من هم به بیمارستان شفا یحیائیان فرستادم ولی متأسفانه تاکنون نتیجه نگرفتم در مورد صندوق رفاه کارگران خبازی‌ها تقاضای تجدید نظر دارم عده‌ای از نانوایان حوزه انتخابیهام بعلت افزایش حق بیمه چندین فقره شکایت نموده اند خواهشند است از این گروه که خود کارگر نانوایی هستند توجه و احقاق حق شود در مورد کشاورزی کشور و مشکلات ناشی از آن معتقدم همچنان مشکل شماره اول مملکت است در گذشته چندین دور افق سیاست کشاورزی را بر تیره فرار گرفته بود که اگر بهمان وضع باقی مانده بود قوه تولید روز بروز روی بضع میرفت که بر اثر توجهات مخصوص شاهنشاه آریامهر جناب آقای هویدا نخست‌وزیر در طریق تحقق وحدت وزارت تعاون و امور روستاها بوزارت کشاورزی سیاست تولیدات کشاورزی یکپارچه گردید مهم‌تر از وحدت این دو وزارت خانه عنصر مطلوبی مأمور رفع این مشکلات مهم مملکتی گردید که عموم ملت ایران آشنای حقیقی این شخصیت مبین جناب آقای مهندس روحانی میباشند پوشیده نیست از تاریخ ادغام وزارت تعاون و امور روستاها بوزارت کشاورزی دیگر مسئله ارزاق عمومی مورد بحث مطبوعات و رسانه‌های گروهی و دست‌اندرکاران سیاست کشاورزی نیست واقعاً آقای منصور روحانی در این مورد موجب اطمینان عمومی شده است بسهم خود امیدوارم تعاونی کارساز بوجود آورد تا جوابگوی نیاز مملکت قرار گیرد باتکیه بحمايت جناب آقای نخست‌وزیر و مخصوصاً توجهات رهبر عالیقدر ملت ایران بمرز خود کفائی محصولات کشاورزی برسیم در حضور جناب آقای نخست‌وزیر و هیئت محترم دولت عرض می‌کنم جای خالی کارگر کشاورزی را باید ماشین پر کند چون کشاورزی سنتی پاسخگوی نیاز مملکت مانیت قانون بیمه محصولات کشاورزی باید بمرحله اجرا گذارده شود و با حمایت از محصولات داخلی تا موقعیکه نیاز کشور را تأمین میکند از ورود محصولات خارجی باید جلوگیری شود و ارزش مواد تولیدیه کشاورزان به نحوی تعیین شود که تا حدی در زندگی کشاورزان مؤثر واقع گردد منظور این نیست که بمصرف کننده تحمیل شود بلکه با تعاونی کارساز با کوتاه کردن دست واسطه و دلال و دها کارهای دیگر تا حدی مشکلات موجود را از پیش پایداری در مورد کمبود کارگر همانطور که فوقاً یاد آور شدم باید توجه

عمیق مبذول گردد چه اینکه در نتیجه صنعتی شدن کشور کارگران بخش کشاورزی بمرکز صنعتی جذب گردیدند و عده زیادی نیز از خود کشاورزان که خود عامل تولید بودند بعلت عدم بازدهی بخش کشاورزی بامید زندگی بهتر بشهرها روی آوردند که این امر نیز لطمه شدیدی بتولیدات کشاورزی وارد نموده است این خلاصه‌ای از مفصل جریان کشاورزی مملکت که باستحضار رسید باز هم موفقیت جناب آقای وزیر کشاورزی را از خداوند مسئلت میکنم در اینجا لازم یادآوری است که بانک کشاورزی ایران در تأمین نیازمندی کشاورزان در تمام اوقات سال در برابر نزول حوادث و بلایای طبیعی در کنار تولیدکنندگان وظیفه قانونی و حمایتی خود را به نحو بارزی ایفا نموده است از این لحاظ موفقیت جناب آقای امامی را در این مورد تبریک میگویم امیدوارم در خدمت بروستائیان کشور و بالا بردن سطح درآمد این طبقه زحمت کش پیش از گذشته توفیق داشته باشند آنچه در این بحث به مشکلات توجه شده است ربط و ارتباط آنها با بودجه مملکتی آشکار است اما در این بودجه موفق آنچنان با مهارت تنظیم شده است که در کلیه اقلام و قصول آن نمی‌توان ایرادی از لحاظ درآمد و هزینه وارد نمود زیرا بخوبی میتوان پیش بینی‌های لازم را در هزینه‌های بنیادی و سرمایه‌ای از رشد ۳۹/۳ درصد از بودجه سال ۲۵۳۰ افزایش ملاحظه کرد ولی اشاره به بعضی از مشکلات مثلاً کشاورزی که با تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است رابطه چندانی با بودجه ندارد و همچنین مشکل مسکن مسئله ترافیک تهران که بحسب مورد اشکال عمده‌ای در زندگی اجتماعی پدید آورده است و سالهاست که این نواقص وجود دارد ولی توجهی بر رفع این مشکل ترافیک نمی‌شود و ملاحظه میشود این اشکال هر سال بیشتر محسوس و ناراحت کننده میگردد این را هم عرض کنم وقتی موضوعی همگانی شد دیگر کسی احساس مسئولیت نمی‌کند بنده در جلسه اول اسفند در بیانات قبل از دستور مجلس عرض کردم از انتهای خیابان شاه با یکی از دوستان بمقصد بهارستان حرکت کردیم یک اتوبوس دوطبقه هم با ما حرکت نمود بالاخره در مخبرالدوله دوطبقه ناگزیر به توقف گردیدم و نرفتم و در مجلس از هم جدا شدیم نمی‌دانم این مشکل باید زندگی ملت را این چنین متوقف کند یا جناب آقای دکتر نیک‌بی در فکر چاره هستند در مورد وزارت راه و ترابری آنچه بنده شخصاً اطلاع یافته‌ام و از همکاران ارجمند شنیدم فعالیت شبانه روزی جناب آقای وزیر راه و ترابری در

مدت کم فوق‌العاده چشم‌گیر و ارزنده بوده است بنده در حضور جناب آقای نخست‌وزیر و هیئت محترم دولت راجع بوضع ترافیک شمال کشور مخصوصاً حوزه انتخابیهام عرض میکنم ساختمان راههای اصلی شمال کشور مربوط بزمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر است که عرض راههای آن زمان حداکثر ۱۰ متر است در فصل تابستان اکثر این اتومبیل‌هایی که خیابانهای تهران را باین روز انداخته‌اند بشمال کشور سرازیر میشوند در دو سه ماه تابستان مشکل آنجا از تهران هم زیادتر است پس ترتیبی اتخاذ گردد جاده‌های کربندی ساختمان شود از راه کناره واردین آنجا راه عبور داشته باشند اکثر آقایان وزراء باین مشکل اساسی توجه دارند بر اثر هجوم اتومبیل از تصادفات چه عرض کنم همان بهتر که نگوییم آنچه مسلم است شمال کشور با توجه بآب و هوای معتدل مورد علاقه عمومی شده است باید دولت برای این کار توجه عمیق بکند تا هم از تصادفات مرگبار جلوگیری گردد و هم ساکنان شمال بتوانند بکار و زندگی خود برسند ضمناً در گذشته وزارت راه و ترابری برای رفع مشکل راههای شمال برنامه‌های اتوبان از فرج آباد ساری به پهلوی را اعلام نموده بود معلوم نیست در آن مورد چه تصمیمی اتخاذ گردیده و راههای کمر بندی نیز نقشه برداری گردید یکی از این برنامه‌ها نیاز دارد که مورد اجرا قرار گیرد بقرار اطلاع راه جدیدی در بین راه ساری شاهی کشیده شده است نمی‌دانم به شهسوار منتهی میگردد یا خیر؟ موضوع تأمین برق روستاهای کشور تاکنون موفقیت چندانی نداشته است شخصاً در روستاهای اجدادی خود زندگی میکنم و از روستانشینی هم ناراحت نیستم مدت‌هاست به جناب آقای معاون پارلمانی وزارت نیرو مراجعه نموده‌ام باتمام دلسوزی که فرمودند روستای محل سکونت بنده فاقد نیروی برق میباشد اخیراً به بنده گفته شد باید وزارت کشاورزی گواهی نماید که جزو مرکز تعاونی قرار دارد یا خیر بنده شرحی بجناب آقای روحانی نوشتیم اکنون که در روستاهای مجاور محل سکونت بنده بلده قلعه گردن دارای برق شده است اگر بمحل سکونت بنده برق داده نشود یک ظلم فاحش است به دوطرف محل سکونتیم آغور کله برق داده شده است یعنی قلعه گرون بلده در قسمت شرقی شیروان محله در قسمت شمال شرقی دارای شبکه برق رسانی است ضمناً باید اضافه کنم چه به بنده برق عنایت بشود و چه مشمول مرحمت قرار نگیرم از وزارت نیرو مخصوصاً کمال رضایت حاصل است

و مخصوصاً اطلاع یافته وزیر نیرو از شخصیتهای برجسته و از چهره‌های درخشان عصر انقلاب و رستاخیز میباشند و بایشان تبریک میگویم که معاون پارلمانی وزارت نیرو در این مدت همکاری وظیفه خود را با چنان شایستگی ایفا نموده است که تصور نمی‌کنم کسی از ایشان تکدر خاطری داشته باشد امیدوارم در سال جدید با این بودجه قابل توجهی که در اختیار وزارت نیرو قرار گرفته خانه تاریک روستائیان کشور را بنور برق روشنائی بخشند در مورد تأمین روشنائی محل سکونت خود آغورکله خرم‌آباد شهسوار و سنگریال از جناب آقای دکتر مجیدی استدعای توجه را دارم اینک نیازمندیهای شهرستان شهسوار را فهرست وار عرض میکنم .

نیازمندیهایی که باید بوسیله وزارت راه و ترابری انجام بشود ساختمان ۶ کیلومتر راه اتصالی قلعه گردن بلده براه دوهزار - اسفالت راه خرم‌آباد بقلعه گردن - اسفالت راه قلعه گردن به آغورکله - اسفالت راه شهسوار لشتو - اسفالت راه سادات محله براه کناره یعنی راه شوسه رامسر - اسفالت راه سادات محله بدهکده رامسر - اسفالت راه سادات محله برمک رامسر - اسفالت راه تعمیرات راه رامسر بجواهر دره - اسفالت راه سادات محله بکتالم رامسر - اسفالت یکطرفه راه کتالم براه کناره شوسه شهسوار - تأمین نیروی برق تالارس کتالم رامسر - اسفالت راه شهسوار تشتو - ساختمان راه کوده شهسوار بانضمام ساختن یک حلقه پل - اسفالت راه ولی‌آباد بکرچکله از کرچکله بامیرآباد الی خرم‌آباد - اسفالت راه شوسه کناره بکترای شهسوار اسفالت راه نشتارود به معلم کوه - اسفالت راه عباس‌آباد بکلار دشت - اسفالت راه قلعه گردن به تشکون - ساختمان راه از راه دوهزار بسه هزار و استفاده از آب معدنی شلف و آبگرم تخت سلیمان همچنین تأمین نیروی برق شهرک‌های لشتو و سلیمان آباد ولرزین و کشکولگیجان شهسوار - تأمین نیروی برق شهرک کاردرگرمحله و سیاورز و میانسرا و تلوسرک و تشکون خرم‌آباد شهسوار - تأمین نیروی برق شهرک کرچکله و امیرآباد و برسیه‌بور و میان کومحله خرم‌آباد شهسوار - تأمین نیروی برق شهرک زوار و رودگرمحله و خشک‌بور و معلم کوه نشتارود شهسوار - تأمین نیروی برق و تأسیس دانشکده نیمه گرم‌سیری کشاورزی در شهسوار در زمین آموزش و پرورش - تأمین نیروی برق آغورکله محل سکونت بنده و سنگرمال و مرکز بخش خرم‌آباد شهسوار

استدعای تبدیل بخش مستقل رامسر به شهرستان برحسب نیاز و خواسته‌های مکرر اهالی رامسر و حالا یادداشت‌هایی راجع به وزارتخانه‌ها و سازمانهای مملکتی دارم که توضیحات مختصری درباره آنها عرض میکنم .

اول - در مورد رعایت اصول دموکراسی در مجلس استدعا دارم با توجهی که جناب رئیس به وضع مجلس مبذول میفرمایند مطبوعات نیز حتی آنهائیکه مربوط به رستاخیز هستند حداقل نظریات نمایندگان را مورد بحث قرار دهند .

دوم - در مورد وزارت کشاورزی و منابع طبیعی و تعاون و امور روستاها مطالبی بعرض رساندم اما راجع به قانون اخیر که راجع به اجرای ماده ۵۶ قانون منابع طبیعی، زمین‌هائی را که شمول قانون قرار می‌دهند و جزو منابع ملی شده اعلام میگردد اینها در بعضی مناطق قرار گرفته‌اند که برای دولت هیچ نتیجه‌ای ندارد حالا که مجوز قانونی برای فروش به کشاورزان تحصیل شده است از وزارت کشاورزی و منابع طبیعی تقاضا دارم آنهائیی را که به درد تأسیسات و یا کارهای عمرانی مربوط به دولت نمی‌خورد، آنها را به باغداران مجاور و یا کسانی که از آنها خلع ید شده به آن‌ها برگردانند .

در مورد وزارت نیرو ملت ایران انتظار دارد که جناب آقای وزیر نیرو با اعتباری که از بودجه سال ۲۵۳۶ تحصیل میفرمایند نسبت به تأمین برق روستاها توجه بیشتری بعمل بیاورند برای اینکه روستائینان باید مورد حمایت بیشتری قرار بگیرند البته ما نباید ناشکری باشیم بخدا قسم روزگاری نسبت به خلع ید مستحذات کشاورزی پرونده‌های متعددی بود ولی در کتاب‌های قانون شما یک جمله‌ای نمی‌توانستید برای استفاده کشاورزان از مزایای قانون و حمایت از کشاورزان پیدا کنید ولی امروز کتاب قانون ما مشحون از حمایت کشاورزان است این یک اندیشه انقلابی است این رهبر انقلاب ما است که اینهمه امکان به کشاورزان مملکت داده‌اند ما ناشکر نیستیم، کشاورزان ناشکر نیستند و شب و روز دست دعای کشاورزان برای دوام و بقای عمر شاهنشاه و خاندان سلطنت بسوی خدا خدا دراز است (احسنت) اما با پیشرفت سریعی که در ارکان کشور پیش آمده است و با این شهرهای زیادی که درست شده، اینها می‌آیند شهرها را می‌بینند برمیگردند به روستاها و آنجا را می‌بینند، بخصوص

بچه‌های آنها ، آقایان همه شما به این واقعیت توجه دارید که الان تمام ساکنین روستا آدمهای مسن و پدران هستند و تمام بچه‌های آنها دارند می‌آیند به تهران و مراکز استان اما بالاخره اینها ایرانی هستند و مسلماً ایرانی ایران را حتی باجان خودش معاوضه نمی‌کند (صحیح است) و بجای دیگری هم نمی‌رود ولی فقط این جا بجا شدن یک مقدار مشکلاتی بوجود می‌آورد از دولت جناب آقای هویدا انتظار داریم که دست محبت بیشتری به سر این روستاها کشیده شود مثلاً برق تعدادی از روستاها را تأمین کنند و یابیه کسانی که احتیاج به وام دارند وام داده شود . جناب آقای دکتر شادمان معاون پارلمانی نخست‌وزیر ، از سال ۴۷ به اینطرف کشاورزان در اثر حوادث چند سال متوالی ، برف و سرما و یخبندان و بارانهای شدید زبانه‌های زیادی را متحمل شده‌اند و اغلب از منطقه سکونت خودشان متواری شدند و مخصوصاً عده‌ای زندانی شده‌اند و طول زندان باعث شد که در همین چند روز پیش یکی از این اشخاص که نمی‌خواهم اسم ببرم در زندان مرد شما آمدید برای رفع مشکل مردم شهسوار عنوان کردید . یک روزی من در انجمن شهرستان شهر شهسوار که در مقام عضویت انجمن بودم تقاضای ورشکستگی عمومی شد فرماندار عصبانی شد و گفت این درست نیست . من گفتم اعلیحضرت باید بدانند

این خانه بزرگ پدر دارد پدر ملت ایران باید از وضع فرزندان خودش مستحضر باشد و هیچ مانعی نمی‌بینم که حقیقت را بگویم از سال ۴۷ باینطرف عده زیادی ورشکست شده‌اند و بر اثر وحشت از زندان متواری شده‌اند اینها باید بطریقی برگردند به خانه‌هایشان چون زندگی دارند خانواده دارند اینها مضطر و معسر نیستند ، معسر کسی است که بالاخره مال داشته باشد ولی دسترسی بان نداشته باشد و برای اینکه می‌ترسد اگر آنجا بماند طلبکارها سراغش بیایند . اینها بیشتر از میادین شکست خورده‌اند از یک برنامه‌ای در آنجا آزرده خاطر شده اند یکی دو نفرشان آمد پول تقسیم کرد ولی نتیجتاً کارخانه استاندارد مرکبات بدست آقای رشیدیان افتاد بنده درصدم هستم با همت آقای نخست‌وزیر که از تمام جریان مرکبات آنجا خبر دارند و همچنین با کمک آقای روحانی و نیز خود آقای رشیدیان که یگانه کارخانه استاندارد مرکبات در بهشهر را دارند و این کارخانه در نتیجه ورشکستگی یک عده بدست آقای رشیدیان افتاد این کارخانه نه تنها یگانه کارخانه استاندارد مرکبات بهشهر بلکه ایران است و من در نظر دارم اقدامی بکنیم که این

را بدست صاحبان اولیه‌اش برگردانیم و بسیاری از صاحبان مرکبات آن نواحی را از ورشکستگی نجات بدهیم خدمت دوستان عزیز و وزرای دولت در این مجلس واقعاً مقدس عرض می‌کنم شما هم پیگیری می‌کنید ماهم گله‌ای از شما نداریم و خدا را شاهد می‌گیرم در مورد وزارت پست و تلگراف من با هر که صحبت کردم همه گفتند خدا عمرش دهد هیچ کس از این آقای مهندس معتمدی حرف بدی نگفت . آقای دکتر شادمان ملت ایران حق شناس است ، ملت ایران افراد شاهده‌وست و فداکار را دوست دارد . درست است که ما گاهی کاسه صبرمان لبریز میشود و چهارتا نامه مینویسیم به آقای دکتر شادمان و ایشان کم محبتی میکنند و همان روز جواب نمی‌دهند ولی هرگز عصبانی نمیشوند چون اگر عصبانی بشود دکتر شادمان نیست . در موضوع وزارت دادگستری نمیدانم معاون ایشان تشریف دارند یانه ؟ قوانین کیفری از تعداد ستارگان آسمان بیشتر است . آقای صادق احمدی آمدند در این مجلس رستاخیز قوانین کیفری را بدون نوع تقسیم کردند چنجه مثلاً درجه یک و جنایت درجه ۲ الان بگونه‌ای این قانون در سطح مملکت اجرا میشود برای یک کپر دوبرادریه جزای نقدی بیش از ۵۰۰ تومان جریمه میشوند . در گذشته آقای دکتر شادمان جزای اینکار ۱۱ روز حبس تأدیبی بود که معادل نقدی آن ۱۱ تومان میشد و این در زندگی مردم اثر دارد . اگر قانون را فرض بفرمائید تشدید بکنیم این جلوی مردم را نمی‌گیرد و مانع تجاوزات مردم نیست طبقات بالا که باهم دعوا نمی‌کنند این طبقات پائین هستند که مثلاً سرآب با یکدیگر نزاع پیدا میکنند . اگر امکان دارد جنابعالی عنایت بفرمائید این را به دادگاه‌های انقلابی مثل شوراهای داوری و خانه‌های انصاف طبق اصل نهم انقلاب ارجاع بفرمائید ، و اگر امکان دارد در مورد این جریمه‌ها تعدیل و تخفیفی قائل شوند . جناب دکتر شادمان مسأله مهمتر از این موضوع تودیع ۵۰۰ تومان ودیعه است کسی که در نظر دارد پژوهش بخواهد عده‌ای از آقایان نمایندگان ما در این مجلس قاضی هستند و اطلاعات بیشتری دارند میدانید که اکنون برای پژوهش خواهی باید ۵۰۰ تومان ودیعه بسپارند و آقای دادستان موافقت بکنند پانصد تومان که رفت پانصد تومان دیگر باید بدهد قانون برای سعادت ملت است در گذشته این مشکلات وجود نداشت . آن کشاورزی که با آقای دکتر شادمان آشنائی و دسترسی ندارد و از قانون و مقررات اطلاعی ندارد چکار باید بکند این مخوفترین

وضع است که برای این طبقه بوجود میآید. قانون برای حفظ نظم و برای تأمین عدالت اجتماعی است. که با اوضاع و احوال جامعه مطابقت داشته باشد. من به موقعش این جریان را در حضور جناب وزیر دادگستری و آقای هنرمندی مطرح میکنم. اما در مورد وزارت مسکن و شهرسازی جناب آقای دکتر شادمان این وزارت خانه باید یک جهش اساسی بکند. چرا تمام واحدها در آنجا متمرکز شده اگر کاری انجام شد نعم المطلوب اگر نشد این کارهای که ۳۰۳ نفر تصمیم گیرنده دارد، دیدیم نمری ندارد. مامی بینیم کسانی هستند که بیشتر کارها را آنها میکنند و بعد مسئولیتش با آقایان است. کارمندی که اهل قزوین بود و این در شهرما شهسوار کارمند اداره دادگستری بود گفت ۱۸ سال تمام کار کردم و بعد تمام چیزهایی را فروختم و یک تکه زمین خریدم و یک شرکت آمده آنجا رانیت کرده و بنام خود سند گرفته است و مردم خریداران زمین هرچه داد و بیداد کرده اند گفته اند وزارت مسکن و شهرسازی تصمیم گرفته بان شخص سند داد و کار تمام شده. همانطوری که در موقع طرح لایحه مالک و مستأجر عرض کردم و حالاهم میگویم زمین باید از صورت کالای تجارتي به صورت کالای مصرفی در بیاید و باید بدنیا نشان دهیم که مسأله زمینهای مملکت را به نحوی حل کردیم که دنیا به حیرت در بیاید یکی از همکاران بنده آقای دکتر اسفندیاری میگفت رفتم سلمانی دیدم شخصی ۵۰ تومانی داد و من با خجالت ده پانزده تومان دادم (نمایندگان -- شما کم دادید) مثل اینکه اخیراً ده بیست تومان میگیرند، این را اطاق اصناف رسیدگی بکنند برای اصلاح کردن سری که ۱ دقیقه بیشتر کار ندارد، ۲ تومان زیاد است.

ادیب مجلسی -- مرکز بررسی قیمت ها قیمت تعیین میکند، نه اطاق اصناف.

لیوانی -- هستند آرایشگاههایی که پنج شش تومان بیشتر نمیگیرند.

کبیری -- اما راجع به بساز و بفروش ها که بی دریغ خرج میکنند و همه جا نظم اقتصادی را بهم میزنند جناب ادیب مجلسی ما همه مان هدفی جز بهبود اوضاع نداریم، تهران با شهسوار برای ما فرقی نمی کند. همه جا خانه ماست (احسنت). اینها که از اوضاع گله میکنند اینها به زندان روسها نرفته اند و گویا در زمان اشغال ایران بوسیله متفقین نبوده اند ولی من خودم بزندان آنها رفته ام خدایا چرا این مردم ناشکر هستند؟ والله بخدا به پیغمبر اگر ماشکایتی بکنیم خیلی ناشکر هستیم، بخدا قسم

قسمتی از مشکلات مردم تصنعی است و این را خارج از دولت درست کرده اند و مکرر شاهنشاه فرموده اند که ما در صورت لزوم با نیروی نظامی جلوی اینها را میگیریم آقایان این قزاق های روسی اصلاً خوردن پرتقال را بلد نبودند و درسته با پوست قورت می دادند اینها مرا بزندان بردند و خیلی اذیت کردند عده ای گفتند کبیری اینها همیشه جاسوس بودند و گزارش میدهند وقتی مرا گرفتند چون نمی خواهم بیش از این وقت آقایان را بگیرم فقط عرض میکنم که تمام اتهامات آنها وارد کردم چون میگفتند کبیری رابطه زیرزمینی دارد که اینطور است و آنطور است فرمانده این ژنرال کنسول روسها در به شهر بود گفتم شما تحصیل کرده هستید؟ گفت من بزرگترین آکادمی علوم را دیدم، گفتم تو که تحصیل کرده ای چطور مرا متهم میکنی؟ گفت که با دربار ارتباط داری گفتم من اگر تورا متهم کنم و بگویم که با استالین در ارتباط هستی چه میگوئی، ناراحت شد و بالاخره قلم را گذاشت کنار و حرفی نزد بعد از سه روز استاندار و تمام مقامات ایرانی وسیله فراهم کردند و بالاخره گفتند که شما از لحاظ اتهامات گناهی ندارید و من را آزاد کردند و بدین ترتیب ما را از شر آنها حفظ کردند امیدوارم وجود نازنین شاهنشاه را خدا نگهدارد و از تمام بلیات حفظ کند که در تمام مواقع، در تمام آن اوقات در کنار ملت بود آقایان دیروقت است و از شب خیلی رفته است می خواهم راجع به فلسفه تعطیل کارخانه حریر بافی چالوس چون آقای چلاجور تشریف ندارند و بنده میتوانم آزادانه بگویم مطالبی عرض کنم، وقتی آنجا در کارخانه حریر بافی چالوس کشتار شده موسوی زاده استاندار تلفن کرد و تکلیف خواست، نخست وزیر وقت جناب اشرف گفت آنجا را بمباران کنید خلاصه اوضاع ناچوری پیش آمد اعلیحضرت از این واقعه اطلاع حاصل می کنند و بالاخره دستور میدهند که از طریق تیپ رشت آنجا اشغال می شود و متجاوزین حقوق ملت دستگیر می شوند، البته هزار نفر ژاندارم آمده بود و یک نفر سر باز فرمانده آنها بود فرمانده اینها را در وسط شهر چالوس ول کرد که ناگاه گلوله از اطراف بقلب ژاندارمها و بطرف آنها رها شد، کاری ندارم از این نوع قتل ژاندارمها در نوشهر دوسه مورد هست در جاهای دیگر هم هست، اعلیحضرت همایونی نیرو فرستاد و کارخانه را گرفتند و خلع سلاح کردند و شنیدم که در آن موقع به آقای قوام السلطنه فرمودند من در کشور خودم کارخانه خودم را بمباران بکنم؟ بالاخره ملت ایران در این کشور از شاهنشاه خیلی اقدامات مینهن پرستانه دیده است

همچنین ما صبر و بردباری شاهنشاه خودمان را زیاد دیده ایم بخصوص ماشکالی ها بخوبی احساس کرده ایم آنهائی که پشت سر شاه چیزهایی می نوشتند ایرانی نبودند، آنها الهام از خارجی می گرفتند و امیدوارم که خداوند تبارک و تعالی ماملت ایران را موفق کند که از هم ایراد نگیریم، اشکال تراشی نکنیم و بهمدیگر اطمینان داشته باشیم تمام اینها که می گویم حقیقت دارد بهرحال گذشت زمان خیلی چیزها را از ایران گرفته است، خیلی ها نمی دانند وقتی که آقای عباس میرزائی از اعماق قلبش فریادش بلند می شود دیگران می گویند چرا فریاد می کشد، بخدا قسم من حوادثی دیده ام که یکیش را عرض میکنم، شخصی بود بنام حیدر در عباس آباد او را دزدیدند بردند پهلوی این آقای قضائی فرماندار شهسوار بود این را کشیده زد ما عده ای بلند شدیم آمدیم پیش صدرا لاشراف، اینجا سغیر شوری پادرمیانی کرد دونه را تحویل گرفتیم و آوردیم اینجا امروز باید به این مسئله امنیت افتخار بکنیم و شکر بجا آوریم (احسنت) در مورد واردات کشور جناب آقای دکتر شادمان ماهم اش صحبت از ده میکنیم ولی شهرهای ما هم باید رونق خودشان را از دست ندهند یک توریست که بکشور ما میآید به ده که نمی آید به شهر میآید این شهرداریها باید مورد حمایت قرار گیرند شما یا شهرداری بوجود نیارید ولی اگر بوجود آورید بایدطوری باشد که اگر درده مجاور آتش بوجود آمد بتواند فکری بکند باید وسیله اطفای حریق داشته باشد، این عوارض که بنام عوارض دروازه ای است در زمان دکتر پیراسته یک عوارضی میگرفتند و میگفتند باندازه این عوارض شهرداری بشما میدهد. پولی در حدود ۳۰ یا ۴۰ هزار تومان، این مشکلی است که همه نمایندگان بان روبرو هستند، در مورد واردات بازرگانی و مسئله سیمان شاید بالاخره از مواردی باشد که دکتر شادمان باید نهایت توجه را بکند در شهرستانها وضع سیمان بحدی وضع نامطلوبی پیدا کرده که همه بهم بدین هستند و کسی اطمینان نمی کند بهم دو کیسه سیمان بدهد. من که رفتم انجمن شهرستان میگفتند اگر شما سیمان نفرستید قسمت اعظم این پلها که از بین رفته مرمت نمیشود و بکلی از بین میرود. چون آنها که سیمان ندارند باید فکری بحال آنها کرد، در مورد وزارت بهداری و بهزیستی و وزارت کار نسبت باین نانوایا گویا مشترکاً باید تصمیم بگیرند نمیدانم وزارت کار یا وزارت بهداری و بهزیستی مسئول است که کارگران

نانوائی ها را بیمه کنند من فکر میکنم وزارت بهداری و بهزیستی است که آن صندوق را در اختیار دارد و بهرحال نانوایا در مورد کارگران میگویند ما کارگر نداریم یکی میگوید پسر ما آورده ام چون اکثر کارگران فرامی کنند ولی می بینم که نفر کارگر برایش نوشته اند (عباس میرزائی). نانوائی یک نفری که نمیشود باید چندتا کارگر باشند) در مورد وزارت آموزش و پرورش و هنرستانها و مراکز حرفه ای ترجیحی داده شد و باز عرض می کنم جناب آقای دکتر شادمان این مسئله را مورد عنایت قرار دهید. هر اندازه دانش آموزان بان مراکز جلب شوند باین مراکز بیشتر فشار می آید. الان مثلاً یک هنرستان در شهسوار بوجود آمده و دانش آموز تربیت میکنند و افراد نیازمند می آیند استفاده میکنند ولی اگر این چنین وضعی پیش بیاید دیگر نمیروند به تحصیلات عالیه ادامه بدهند و اگر از نظر اقتصادی تأمین شدند دیگر نیازی ندارند به تهران بیایند و پشت کنکور بمانند این هم مسئله ایست که باید توجه بشود. در مورد وزارت علوم با زهم عرض میکنم ۵/۰ میلیون دانش آموز بان تعداد گزینش دانشجو ارتباط ندارد. این نقص را باید دولت رفع کند. توجه کنید این طوری نیست که فوراً دانشگاه بسازید فوراً مراکز تحصیلات عالیه درست بکنید ولی البته خواستن توانستن است هر کاری که انسان بخواهد بکند می تواند. در مورد وزارت راه و ترابری بنده خداراشاهد میگیرم اصلاً منظور من ستایش کردن نیست من وقتی کار خوب را می بینم وجداناً می گویم و ناراحت میشوم اگر کار خوبی انجام بشود یک نفر بگوید که کاربرد انجام گرفته یا نشده این را هم بگویم بنده اهل تعظیم کردن هم نیستم زمانی رفتم با جمعی پیش نخست وزیر وقت گفتند باید تعظیم بکنی گفتم من تعظیم نمیکنم گفتند باید تعظیم بکنی گفتم نه من تعظیم نمیکنم بالاخره نشد و برگشتم همراهانم تعجب کردند و گفتند این چه کاری است که ما را بریدی و بعد برگشتی. بالاخره باز برگشتم و ناچار تعظیم کردم. نخست وزیر گفت از کجا آمدی؟ گفتم از شهسوار. گفت چه کاره هستی؟ گفتم کشاورزم بعد گفتم اجازه بدهید موقیبت شمارا در مسکو تبریک بگویم. نگاهی کرد و گفت: اشکالی ندارد گفتم شما موقیبت بزرگی برای ایران کسب کردید و ما افتخار میکنیم که سر نیزه دیگران را از سینه ما برداشتند. نگاهی بمن کرد گفت: فرمانشین تا آن موقع بما اجازه نشستن نداده بود پس از آنکه تعظیم و تعریف کردم گفت بفرمائید. تشکر کردم و نشستم. گفت کار دیگری هم دارید منتهم گفتم اجازه می فرمائید

گفت بنشین ، گفتم نشسته عرض کنم؟ گفت بلی بالاخره گفتم دکتر میلیسپو اینجا در ظاهر برای تأمین آذوقه متفقین آمده بود ولی در باطن مخالف با ما بود دو سال بود که برنج ما را در آنجا انبار کرده بودند و اجازه فروش نمیداد جریان را گفتم گفت یعنی چه؟ گفتم دوتا استاندار شما اینجا هستند یکی استاندار گیلان یکی استاندار مازندران. استاندار مازندران دکتر پیراسته بود استاندار گیلان را نمیدانم کی بود اسمش یادم رفته . گفت آذوقه تأمین است گفتم اگر تأمین است حداقل به تهران بفرستید استاندار را خواستند گفتند آیا در شمال آذوقه هست؟ جواب داد تأمین است نخست وزیر گفت یک هفته دیگر برنج شما را به قیمت خوبی می خریم من جرأت پیدا کردم و گفتم مسئله دیگری هم مورد بحث است گفت چه است گفتم بنده از دفتر خود شما می خواهم استفاده کنم شما هم چای دارید و هم برنج از کدامیک استفاده کرده اید؟ گفت از هر دو قسمت ضرر کرده ام و پولش را پرداخت کرده ام گفتم شما نخست وزیر هستید از ضرر حرف میزنید من کشاورز ضرر را چگونه جبران کنم؟ گفت فهمیدم . همراهان من خیلی خوشحال شدند گفتند قربان راجع به پرتقال چه میشود جواب داد آن دو قسمت را قبول دادم . پرتقال مربوط بمن نیست این مربوط به شهرداری است و من دیدم که عصبانی شد سکوت کردم فهمید چیزی میخواستم بگویم گفت شما مطلب دیگری دارید؟ گفتم اینجا کسی هست که میخواهد نماینده بشود و من اسمش را گفتم گفت خیلی خوب من بروسها قول داده ام نفت بدهیم و گفت از شما خیلی ممنونم که باین وطن پرستان لایق اجازه میدهید نماینده بشوند بهر حال با من دست داد و گفت خاطر جمع باش ، خلاصه ذکر خبری از کسی کردیم که حالا در بین ما نیست ، بنا بر این جناب آقای دکتر شادمان امروز ما باید قدر این نعمت را بدانیم آنها که در زمان اشغال در تهران نبودند نمیتوانند تشخیص دهند که آروزیر ملت ایران چه گذشت و امروز اینجا فریاد میکنیم و مسائل را مورد بررسی قرار میدهیم ، بهر حال بنده از هر لحاظ خوشحال و مسرور و مدعی می کنم وجود شاهنشاه آریامهر را که بما همه چیز عنایت فرمودند و ملت ایران افتخاری کند در زمانی زندگی میکند که چنین پادشاهی سایه او بر سر ما ملت ایران افکنده شده است و هیچ کس بر دیگری نمیتواند زور بگوید بهر حال فلسفه بنام ما این است که قدری فکر بکنیم و بنشینیم و ببینیم کجا بودیم و کجا رسیدیم وقتی اینها را توجه کردیم شاگرد و ممنون می شویم ، باسپاس فراوان از حوصله ای که

کردید و بنده را مورد تأیید و تأکید خودتان قرار دادید بسیار متشکرم اینها بالاخره موجب میشود که همه ملت ایران بدانند و وزیر و وکیل و استاندار احساس کنند که جناب آقای هویدانی خواهند کسی بایشان تعظیم بکند بلکه خودشان بمردم سلام میدهند در پایان می خواهم عرض کنم که خدایا شهبانویی که با اینهمه عظمت تجلی کردند و دست محبت بر روی نمایندگان مجلس شورای ملی کشیدند فرق نمی کند در واقع دست محبت را بر تمام ملت ایران کشیدند خداوند وجود شهبانوی ما را از گزند روزگار محفوظ بدار (احسنت) زنده باد شاهنشاه آریامهر رهبر اندیشمند و شهبانوی گرامی ایران و ملت نجیب ایران که بالاخره صبر و تحمل و بردباری و کوشش خود را بدنیای نشان داده است . (احسنت)

رئیس -

دکتر محمد ستاری - بنام پروردگار ، سپاس و هزاران

سپاس بر شاهنشاه آریامهر و اندیشه های جهانگیرش ، تعظیم به پیشگاه علیاحضرت شهبانوی محبوب و نیک اندیش که تشریف فرمائی معظم لها به مجلس غرور و افتخاری بس عظیم بردل های نمایندگان ایجاد کرد ، درود به والا حضرت ولیعهد نور چشم ملت ایران و وارث راستین شاهنشاهی ایران زمین (احسنت) . ریاست محترم مجلس همکاران گرامی ، دوستان مطبوعاتی ، من قبل از شروع عرایض درباره کلیات بودجه سال ۳۳ و ۳۴ و بخاطر اینکه گفته هایم بدوچاره نشود چون وقت و فرصت زیاد نیست باین ترتیب سعی می کنم در ۲۰ دقیقه باقی به ساعت ۱۲ شب مقدمه مسائلی را مطرح کنم و از فرصت بعدی بمطالبی که تنظیم شده است بپردازم آنچه که عنوان می شود توضیح یا توجیه سه مسأله اساسی بود که اینجا از سوی همکاران عزیز و محترم مطرح شد . یکی حرمت گذاری بزبان فارسی و اهمیت این مسأله در جامعه که امروز بحث فراوان در این زمینه بعمل آمد . از نظر اینکه موقعیت و جایگاه زبان فارسی در وحدت ملی روشن بشود کافی است ارکان چهارگانه وحدت ملی را اینجا بازگو کنم . وحدت ملی که قومیت و هویت ملی بر آن مبنا قرار گرفته است و یکی از پایگاههای بنیادی استمرار مملکت و شاهنشاهی ایران است بر چهار رکن اساسی استوار شده: قدرت اقتصادی، قدرت سیاسی، قدرت نظامی و بالاخره قدرت فرهنگی. هر قوم و ملیتی که از چهار رکن یاد شده بحد والا و اعلا برخوردار باشد از نظر حفظ وحدت ملی در شرایط و جایگاهی بس عظیم جای دارد

چنانچه موقعیت این ارکان را در دوره پنجاه سال سلطنت پرافتخار دودمان پهلوی بررسی کنیم مشاهده خواهیم کرد که در چهار رکن بحث شده به پیشرفتهائی بس عظیم نایل شده ایم در مورد قدرت اقتصادی طبق آمار و ارقامی که ارائه می شود رشدهای چشم گیر ۱۰ درصد حاکی از این است که رشد اقتصادی ما بچنان مرحله ای رسیده است که میتواند کارساز باشد و بسیار وزین و مستحکم چنانچه قدرت سیاسی را که رکن دوم وحدت ملی است بررسی کنیم، می بینیم که سیاست حیات آفرین مستقل ملی و اعلام این نظر از سوی رهبر مفتخما روشن گر این حقیقت است که باچه دیدی و باچه موقعیتی قدرت سیاسی ما در دنیای امروز از استحکام و بنیاد اساسی برخوردار است (صحیح است) . در مورد رکن سوم وحدت ملی که قدرت نظامی است من تصور میکنم جای بحث زیادی نباشد باین خاطر که قدرت نظامی ما در چنان حدی است که امروز در این دنیای پرتلاطم ما را بصورت یک جزیره آرام و پرامنیت در آورده است (صحیح است) و اینکه در مورد کمبود ۲ درصد بودجه نظامی بحث شد بایستی اعلام شود که ملت ایران همانند برادران و خواهران سر باز همیشه افتخار داشته است که پشت جبهه را نگه دارد و باین ترتیب ارزیابی ارتش شاهنشاهی در محدوده ای که هست امریست صحیح ولی بایستی اعلام کنم که مدافعین ملی و میهنی نیا خاک تمام ملت ایران و ۳ میلیون مرد وزن و کودک هستند (صحیح است) . اما میپردازیم به چهارمین رکن وحدت ملی یعنی قدرت فرهنگی و اینجاست که مسأله زبان مطرح می شود. در جوامع امروز بسیار دیده شده است تنها رکنی که میتواند قدرت ملی و وحدت آن را پایدار و محفوظ و مصون از رخنه های بیگانه نگه بدارد قدرت فرهنگی است. ما دیده ایم که بسیاری از جوامع حتی خود ایران در بسیاری از مواقع یا از نظر قدرت اقتصادی یا قدرت نظامی، قدرت سیاسی در چنان مرحله ای نبوده است که از تهاجم بیگانگان مصون بماند و چه بسا که در این موارد مذهب هم شده ولی چرا باقی ماند؟ برای اینکه قدرت فرهنگی داشت و در پناه این قدرت فرهنگی توانست قومیت و وحدت ملی خودش را حفظ کند (احسنت) و اینجاست که زیربنای وحدت ملی را می توان قدرت فرهنگی دانست و جوامعی که از قدرت فرهنگی غنی و سرشار برخوردار بوده اند حتی اگر سه رکن دیگر را که عرض کردم به مرحله نابودی هم برسد ملیت و قومیت خود را حفظ خواهند کرد (آفرین) اما قدرت فرهنگی چیست: باید عرض کنم که یکی از مبانی اصلی

قدرت فرهنگی زبان است، زبان یکی از ارکانی است که این پیوندهای ملی را خیلی عالی و بسیار استوار برقرار می کند. اسپنسر یکی از سیاستمداران معتقد بود که اگر تنها زبان یک قوم را از او بگیرد همه چیز رسیده آید و رخنه در ملیتی که زبانش را از او گرفته باشید بسیار ساده و آسان است. این مسأله ای است که یکی از سیاستمداران گفته و شکی نیست با تجربه ای که این دسته از سیاستمداران دارند آنچه میگویند بر سبانی صحیح استوار است. باین ترتیب اگر بحث زبان فارسی در اینجا مطرح میشود آن چیزی است که واقعاً رویش تکیه می شود و بحثی اصولی و منطقی است منتها بایک اشاره و آن اینکه مسأله زبان را نباید بعنوان مد روز و یا خود نمائی تلقی کرد، چون ما شنیدیم و دیده ایم عده ای از این مدعیان برای اینکه از زبان فارسی دفاع کنند حتی از جملات و کلمات عربی استفاده می کنند. باین ترتیب باید توجه داشت که زبان بدور از هر غوغای تبلیغاتی و با فضل پروری رکن اساسی قدرت و فرهنگ است و بایستی از دیدگاه بسیار منطقی و اصولی بدور از هرگونه تظاهر مورد توجه قرار گیرد. من بسیاری از اشخاص را می شناسم که برای توجیه اهمیت زبان فارسی متوسل به لغات و کلمات خارجی میشوند. اینرا مگر میشود تفسیر و توجیه کرد؟ اما مسئله دیگر موضوع توجه بفرار مغزها است و این مسئله مطرح شده بود که آیا صلاح هست ما کودکان را از سنین متفاوت به خارج بفرستیم، یا نه؟ و آیا اینها قومیت و ملیت خود را از دست میدهند یا خیر؟ در این زمینه توضیح مختصری دارم، همکاران عزیز، فرار مغزها به عقیده من مسئله مهمی نیست آنچه چیزی که مهم است فرار دلهاست، کوشش باید کرد که دلها فرار نکنند و اگر دل فرار نکند آنوقت، همین افراد کارآمد در ممالک دیگر سفرای دانش و بینش ما خواهند بود. به این ترتیب هم از نظر تکنیک و هم از نظر مسائل اصولی و موارد دیگر جای هیچگونه ترس و واهمه ای نیست که مسئله فرار مغزها را بان ترتیبی که اعلام شده عنوان کنیم. بیاید قبل از اندیشیدن به فرار مغزها به فرار دلها بیندیشیم و قبل از اینکه مسأله ای بنام فرار مغزها را بزرگ جلوه دهیم ببینیم که چگونه فرار دلها بوجود می آید و اینجاست که تربیت خانوادگی و رسالت آموزش و پرورش و ارزش کانون خانوادگی مطرح میشود. من معتقد هستم که اگر در سنین کودکی موقعیکه نوجوان حالت فرم پذیری دارد محیط گرم خانوادگی را ترک نکند جای هیچگونه نگرانی نیست

(صحیح است) برای آنکه مسلماً آن فاجعه فراردها بوجود نخواهد آمد. ایرانی همیشه بوطن، شاهنشاه و موقعیت خودش با همه وجود و صداقت اندیشیده و می اندیشد. من یک حقیقت کوچکی را که خودم در این زمینه شاهدش بودم برایتان مثال میزنم. در یکی از سالک خارج بایکی از دوستان و همشهریان گیلانی که سالهای سال دور از وطنش بوده در یکی از پارکها قدم میزدیم همه میدانید که در اکثر شهرهای اروپائی بخاطر شرایط آب و هوای آنجا گل و سبزه با طراوت، رنگ و زیبایی خاصی همراه است. به نزدیکی باغچه ای که دسته گلهای شادابی در آنجا کاشته شده بود رسیدیم بی اختیار گفتم چه گلهای قشنگی است و چقدر با طراوت و خوش رنگ است. اما پاسخی که از دوستانم شنیدم واقعاً تکان دهنده بود. با صفای باطن گفت گلهایی را که تو احساس می کنی خوش رنگ و با طراوت است برای من نمود و جلوه ای ندارد زیرا برای من آن گلی زیبا و خاطره انگیز است که وقتی در ایران بودم، مادرم گلی را که در گلدانی کاشته شده بود بمن داد و من آن گل را در باغچه کوچک شخصی خانه ام کاشتم (احسن است) آیا این صداقت در گفتار و بیان احساس مبین وطن پرستی و علاقه بخانه و خانواده نیست؟ و آیا این یک عرق ملی و وطن پرستی بشمار نمی آید؟ که بعد از ۱۰ سال اقامت در خارج هنوز هم با تمام وجود بوطن و سبیل ملیت که در وجود رهبر ما خلاصه میشود این چنین پاك و ناب می اندیشد؟

باین ترتیب ما با داشتن چنین خمیرمایه های ملی قبل از اینکه به فرار مغزها بیندیشیم باید به فرار دلها فکر کنیم. برای اینکه ایرانی اگر خوب تربیت شده باشد ایرانی که بشاهنشاه و وطن و ملیت خودش اعتقاد داشته باشد چگونه می تواند بارفتن بخارج و گذراندن یک دوره، از وطن و ملیت خودش ببرد و همه را بفراموشی بسپارد. مسئله دیگری که باز هم بمتذات باید اشاره کنم موضوع استاد و معلم است که بهتر بگوییم، معلم چون همه در یک حد و منزلت هستند. دوستان، اندیشیدن تنها بمسئله مادیات یعنی برطرف کردن نیازهای مادی اشخاص همیشه کار ساز و کارگشا نبوده است. انسان بطور طبیعی دونوع نیاز دارد: نیاز معنوی و نیاز مادی. خود شما در بسیاری موارد دیده اید یا شاهد بوده اید دوستانی که در نهایت رفاه و بی نیازی از نظر مادیات بوده اند و از درآمد بسیار برخوردار هستند بمحض اینکه کمترین بی احترامی دیده اند از همه مزایا و امتیازات مادی صرف نظر کرده و نگران و ناراحت میشوند. باین ترتیب آنچه چیزی که نیازهای جامعه بشری را از هر جهت

است. اگر درباره تورم یا افزایش هزینه زندگی در کشور صحبت میشود برآستی آن گروهی که بیش از همه تحمل این فشار را می کنند کارمندان دولت هستند باین ترتیب در هر شرایط و موقعیتی وظیفه ما است که از این طبقه بسیار شرافتمند دفاع کنیم و با همه وجود تلاش کنیم تا آنها هم در شرایط مناسب زندگی کنند (صحیح است) و اگر احیاناً می بینیم که کارسندی اضافه بر ساعات معمولی در اوقات دیگر هم کار می کند این چیزی نیست جز اینکه میخواهد کمبود مخارج زندگیش را جبران کند.

بهر حال اینها مسائلی بود که بصورت مقدمه عرض کردم و اگر وقتی هست و جناب آقای رئیس اجازه میفرمایند مطالبم را که تنظیم کرده ام ادامه بدهم؟

۴- تعیین موقع و دستور جلسه آینده - ختم جلسه

رئیس - آقای دکتر ستاری وقت جلسه تمام شده است بقیه مطالبتان را بگذارید برای جلسه بعد. با اجازه خانم ها و آقایان این جلسه را ختم میکنیم جلسه آینده ساعت ۹ صبح روز شنبه خواهد بود.

رئیس مجلس شورای ملی - عبدالله ریاضی

عباس میرزائی - یک چیزی هم اضافه کنید که اگر یک معلمی خطا کرد روزنامه ها ننویسند و آنرا بزرگ نکنند. دکتر ستاری - مطلب دیگری که باید بگویم و شما یاد آوری کردید در مورد مطبوعات و خدمات بی شائبه همکاران مطبوعاتی است و من این افتخار را دارم که متجاوز از بیست و چند سال در این راه قلم زده ام و افتخار می کنم که هم چنان در همین زمینه خدمت رادنیال نمایم. در مورد خدمات رسانه های گروهی روزنامه ها رادیو و تلویزیون همین بس که از هیئت محترم دولت هم اکنون شاید نصف اعضاء در جلسه شرکت ندارند، و از تعداد نمایندگان محترم هم بخاطر دیروقت بودن گروهی تشریف ندارند ولی می بینم که خبرنگاران پرکار رسانه های گروهی همه اینجا تشریف دارند (عباس میرزائی). نمایندگان کارگران هم هستند) بله نمایندگان کارگران هم تشریف دارند، بنابراین حفظ حرمت کسانی که بمعنای رکن پنجم مشروطیت هستند بر همه ما واجب و فرض است. اینجا مسئله ای در مورد کارمندان مطرح شده بود فکر می کنم بحث در مورد حقانیت کارمندان چیز زائدی